

جنایتی که بر ملا شده، فقط نوک کوه یخ است

بیشتر از این تعدادند و آنچه که از موج تازه کشتار بر ملا شده، "فقط نوک کوه یخ است" به گزارش عفو بین الملل در همه زندانهای سیاسی ایران به کشتار زندانیان پرداخته‌اند و اعدام شدگان منحصر به زندانیان این و یا آن اسارتگاه نمی‌باشند. بنا بر این گزارش، در مورد موج تازه کشتار از اواخر ماه ژوئیه (اواسط مرداد) اطلاع حاصل شده است.

عفو بین الملل در گزارش خود نوشته است مقامات جمهوری اسلامی ابتدا منکر موج تازه اعدام زندانیان سیاسی بودند، اما اخیراً آشکارا به این امر معترف شده‌اند. بعنوان نمونه خامنه‌ای، رئیس‌جمهور حکومت اسلامی کشتار وسیع زندانیان سیاسی را تأیید کرده است.

در روز سه‌شنبه ۱۳ دسامبر سازمان عفو بین الملل گزارش تازه‌ای در رابطه با قتل‌های زندانیان سیاسی در ایران انتشار داد. در این گزارش آمده است که در ماه‌های اخیر "صدها و بلکه هزاران نفر" در ایران اعدام شده‌اند. موج تازه کشتار کم سابقه بوده و عفو بین الملل تا کنون توانسته است از منابع مختلف اسامی بیش از ۳۵۵ نفر از اعدام شدگان را بدست آورد. عفو بین الملل تأکید می‌کند که اعدام شدگان بسی



دوشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۷ برابر ۱۹ دسامبر ۱۹۸۸
بهاره غریب سال پنجم - شماره ۲۳۸

وبازنامه‌های تازه از اعدام شدگان اخیر

هر نام را به یک پرچم تبدیل کنیم!

در صفحه ۳

تروریسم صادراتی: چهره دیگری از رژیم جنایتکار خمینی

کراچی تیراندازی کردند. یک تن از مجروحین، رفیق فدایی محمود رضا یکبند پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. او قربانی تروریسم صادراتی حکومت شد که چهره دیگری از این رژیم جنایتکار است. یادنامه رفیق محمود رضا یکبند در صفحه ۸ درج شده است.

اینان قربانیان تروریسم رژیم خمینی در شهر کراچی پاکستان‌اند. در روز ۵ دسامبر تروریست‌های جمهوری اسلامی به سوی عده‌ای از پناهندگان ایرانی در شهر کراچی آتش‌گشودند و ۵ تن از آنها را مجروح کردند.

آدمکشان اهزامی از سوی حکومت خمینی سوار بر یک ماشین اقدام‌کننده و یک ماشین

حمایتی و با دلگرمی از شرایط و حمایت‌های موجود در پاکستان، با گستاخی تمام به ایرانیانی که برای اعتراض نسبت به کشتار زندانیان سیاسی در ایران اجتماع کرده بودند حمله برده و با کلت به سوی حاضرین در مقابل دفتر سازمان ملل در



فدایی شهید محمود در ضایکبند



۳ نفر از مجروحین حمله تروریست‌های خمینی در پاکستان

اعتراضات دانشجویی در تهران و شهرستانها

دانشجویان دسته‌جمعی به نزد رئیس دانشگاه رفتند. انجمن اسلامی در آغاز تلاش داشت خود را با دانشجویان همسو نشان دهد. دانشجویان به رئیس دانشگاه برای پاسخ مثبت به خواسته‌هایشان سه روز مهلت دادند. جماد دانشگاهی، رئیس دانشگاه و "سپاه پاسداران دانشگاه" طی اطلاعیه‌هایی حرکات دانشجویان را محکوم کرده و آنها را تهدید و این حرکات را تحت رهبری چپ‌ها معرفی کردند. اعلامیه‌ای که با امضاء گروهی از دانشجویان پخش شده بود و در آن بر خواسته‌های صنفی دانشجویان و بر ضرورت حرکت مشترک تأکید شده بود، در میان دانشجویان تأثیر بسیار مثبتی داشت. به دنبال بالاگرفتن اعتراض دانشجویان، انجمن اسلامی، ظاهر سازی را کنار گذاشت و از دانشجویان خواست از هر حرکت جمعی بقیه در صفحه ۲

بنا بر گزارش‌های رسیده، طی هفته‌های اخیر دانشگاه‌های صنعتی تهران، ملی، تبریز، اصفهان و هلمو صنعت شاهد بروز اعتراضات دانشجویی بوده است. در دانشگاه صنعتی تهران و دانشگاه ملی، در جریان این اعتراضات دانشجویان خشم خود را به صورت وارد آوردن خساراتی به نهارخوری دانشگاه نشان دادند، وضعیت بسیار بد رفاهی و معیشتی دانشجویان، در دانشگاه‌ها زمینه گسترده‌ای برای شکل‌گیری حرکات اعتراضی فراهم کرده است. در دانشگاه صنعتی در روز ۲۵ آبان بخاطر یافته شدن شپشک و گرم در غذاها اعتراض دیرینه به کیفیت غذای نهارخوری دانشگاه شکل حادی به خود گرفت. دانشجویان سالن غذاخوری را در چند لحظه زیر و رو کردند. ظرفها به هوا پرتاب شد و به سنت دیرینه اینگونه اعتراضات شیشه‌های نهارخوری خرد شد.

در این شماره

جلوه‌هایی

از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف

در صفحه ۹

جهان در غم از منستان شریک است

در صفحه ۱۴

از رنج آوارگان کرد در اردوگاه‌های تویکه

در صفحه آخر

پیروزی بزرگ خلق فلسطین

در صفحه آخر

اخباری از قهقاری و پلیدی بی حدومرز

بخشی از یک گزارش:

روستایی است که شهیدی از این قتل‌عام نداشته باشد. مردم با اظهار همدردی با خانواده شهید این جنایت را محکوم میکنند، وقتی هکس یک رفیق شهید را به هکاسی بردیم که بزرگ کنده هکاس گفت چون هکس اشکالاتی دارد، باید خود فرد باشد، به هکاس گفتیم که وی توسط رژیم شهید شده است. هکاس گفت در این هفته این پنجمین هکاس است که بخاطر اعدام شدن برای بزرگ کردن آورده اند. وی از گرفتن پول هکس خودداری کرد. وقتی به گل فروشی مراجعه کردیم و تمام موجودی رفیق شهید را که از زندان تحویل گرفته بودیم گل خریدیم و به گل فروش گفتیم این آخرین پول شهید است که از زندان تحویل گرفته ایم، گل فروش دسته بسیار بزرگی گل نرگس بطور مجانی داد که به یادبود شهید در میان مردم تقسیم کنیم. در مراسم شهید... بیش از ۱۵۰ نفر حضور داشتند هیچکس سیاه پوشیده بود. همسر شهید لباسی سراسر سفید برتن کرده بود. دوستان و خانواده وی از مبارزات وی و شرح زندگی و خاطراتش سخن گفتند. مراسم با سرود تمام شد. مردم وقتی می رفتند از طرف خانواده شهید اهدامی به هر کدام یک شاخه گل رز دادند. هرکس به طریقی اظهار همدردی می کرد. یکی می گفت این خون‌ها خشک نمی شود و بر زمین نمی ماند. دیگری می گفت... جاودانه شد... روز انتقام دور نیست و...

در رشت پیر مرد کشاورزی که از رفت و آمد به زندان و عدم دیدار فرزند زندانی خود به تنگ آمده بود جلوی در زندان ایستاد و گفت اگر امروز پسر مرا به من نشان ندهید من از اینجا تکان نمی خورم. مزدوران رژیم به وی گفتند اگر ۶۰۰۰ تومان و پول یک جعبه شیرینی بیاوری گور فرزندت را به تو نشان می دهیم. به دنبال فریادهای پیر مرد و شعار دادن او علیه خمینی خون آشام، پیر مرد را به داخل برده پس از زدن کتک فراوان و مجروح کردن شدید او، رهایش کردند...

در تهران از اواخر آبان رژیم طبق برنامه از پیش تعیین شده هر روز در ساهت های معین و به تناوب شروع به احضار خانواده ها کرد. خانواده های زندانیان که اکثرا زن بودند چون متوجه حادثه ای تلخ شده بودند شروع به داد و فریاد و شعار دادن و حمله به رژیم می کردند. مأمورین که امکان کنترل وضعیت را نداشتند، چندین روز متوالی خانواده ها را سردوانده و امروز و فردا می کردند. سرانجام اعلام کردند که باید فقط یک مرد از هر خانواده و در روز معین بیاید و همراه خود دیگر افراد خانواده را نیاورد. در یک گروه که شامل ۱۲ مرد و یک زن می شد جلوی درب اوین چشمپاشان را بستند و آنها را به داخل منتقل کردند و با چشم بسته رو به دیوار نگاهداشتند. بازجو روی صندلی نشسته و هر کدام از خانواده زندانیان را بازجویی می کرد و به آنها خبر اعدام هر زنشان را می داد و در ضمن یک ساک که حامل وسایل شخصی زندانی بود نیز به فرد منتسب به خانواده می داد و از آنها تعهد کتبی گرفتند که از چاپ آگهی تسلیت در روزنامه و در سطح شهر و همچنین برگزاری مراسم خودداری کرده و از ارسال هکس و بیوگرافی و خبر اعدام به خارج جلوگیری کنند. تلفنی به آنها دادند که در صورتیکه کسانی از داخل و خارج با آنها تماس گرفتند به آن شماره تلفن کنند. رژیم از ترس انعکاس این جنایات خانواده ها را می ترساند و حتی آنها را تهدید کرد که اعضای دیگر خانواده را دستگیر می کند تاکنون هیچ نشانه ای از محل دفن شهید به خانواده ها داده نشده است فقط به بعضی ها گفته اند که تا ۴۰ روز دیگر محل دفن شهید را به آنها اطلاع خواهند داد.

بدون استثنا خانواده های شهید تبدیل به کانون های مبارزه علیه رژیم شده اند. خانواده ها با برگزاری مراسم سیاست رژیم را با شکست مواجه کردند. خانه های شهید محل رفت و آمد مردم شده است. ابهات فاجعه انچنان گسترده است که کمتر خیابان و شهر و

اعتراض نمایندگان شرکت کننده در هفتمین کنگره سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا علیه کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران

هفتمین کنگره سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا از تاریخ ۲۴ الی ۲۸ نوامبر در دهلی نو پایتخت هندوستان تشکیل شد. نمایندگان ۸۹ کشور و ۱۰۰ سازمان در این کنگره شرکت داشتند. مراسم افتتاحیه این کنگره با سخنرانی راجیو گاندی نخست وزیر هندوستان آغاز گردید. شخصیت های برجسته جنبش همبستگی آسیا و آفریقا از جمله مهمانان شرکت کننده در این کنگره بودند که در این میان چهره هایی چون سام نجو مار رئیس سازمان خلقهای جنوب شرقی آفریقا (سواپو)، خان عبدالولی خان رهبر حزب عوام ملی پاکستان، رامش چاندرا رئیس شورای جهانی صلح و... دیده می شدند. نمایندگان شرکت کننده در این کنگره روز ۲۶ نوامبر با رئیس جمهور هند نیز دیدار داشتند.

شرکت کنندگان در این کنگره طی امضا متن همبستگی با زندانیان سیاسی ایران اعتراض خود را نسبت به کشتار زندانیان سیاسی ایران اعلام نمودند.

متن این اعلامیه به قرار زیر است:

رژیم جمهوری اسلامی ایران فرزندان پرافتخار مردم ایران را زندانی کرده است. همه جهان آگاه هستند که ده ها هزار از کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، روشنفکران، سربازان و مردان و زنان کشور ایران در زندان و هزاران نفر تاکنون بایوسیل اعدام یا در سلول های شکنجه شهید گردیده اند. اخیرا در زندانهای رژیم ج.ا. کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی افزایش یافته است. بعد از قبول قطعنامه آتش بس از سوی رژیم بخاطر وضعیت بحرانی اقتصادی و اجتماعی، رژیم از زندانیان سیاسی انتقام می گیرد. اکثر کشتار دسته جمعی زندانیان بعد از قبول قطعنامه آتش بس صورت گرفته است. بر طبق خبرهای رسیده تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به سلول های انفرادی برای اعدام انتقال یافته اند. از ملاقات خانواده های زندانیان سیاسی با آنان جلوگیری گردیده است. سازمان ملل متحد و مفو بین الملل تاکنون چندین قطعنامه در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی و برای آزادی آنان صادر کرده است. صدای اعتراض خود را برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران بلند کنید. در میان امضا کنندگان قطعنامه فوق نام نمایندگان کشور ها و سازمان های زیر به چشم می خورد:

جمهوری یمن	تائز انیا
مراکش	مادانگاسکار
بنگلادش	لائوس
تونیس	قبرس
پرتغال	موریتانی
مصر	اردن
جمهوری یمن دمکراتیک	پاکستان

اعتراضات دانشجویی در تهران و شهرستانها

مقامات رژیم غیر مستقیم به وجود اعتراضات در دانشگاهها اعتراف کرده اند. این اعتراف، در یک سخنرانی خامنه ای در شیراز و نیز اظهارات سرحدی زاده وزیر کار در "کنگره شوراهای اسلامی کار" بازتاب یافت. سرحدی زاده گفت: "کارگران مسلمان باید نقش اصلی خود را ایفا کنند و اجازه ندهند که برخی مثل دانشجویانی که مسلمان مسلمان نیستند در این شرایط بر سر کمبودهای جزیی سرو صدرا راه بیندازند و از هر مساله جزیی، مساله سیاسی ایجاد کنند." (کیهان، ۱۰ آذر ۶۷)

بقیه از صفحه اول

خودداری کنند. در هفتهگرد حادثه مزبور دانشجویان اعلام کردند که از خوردن غذا در سلف سرویس خودداری خواهند کرد. ۵۰۰ نفر به این خواسته جواب مثبت دادند. دانشجویان پیشگام با انتشار اعلامیه ای ضمن تشریح وقایع، چهره ارگان های سرکوب و بویژه انجمن اسلامی را افشا کردند. پاسداران و کمیته چپ های رژیم برگشت های خود در سطح دانشگاهها افزوده اند.

وبازنامهائی تازه از اعدام شدگان اخیر

هر نام را به یک پرچم تبدیل کنیم

در این زمینه کوشا باشیم .
نام هر شهید، یک پرچم رزم است . این انبوه درفشهای مبارزاتی را
باید به اهتزاز در آوریم و نگذاریم یک قطره خون به زمین ریخته
شده، فراموش شود .

در افشاگری های بین المللی، اسامی شهیدان مهمترین اهرم
مبارزاتی ماست . چه سندی روشنگرتر از انبوه نامهایی که هر یک محور
دادخواهی خلق در برابر رژیم جنایتکار خمینی است . این نامها را در همه
جا انتشار دهیم . آنها را در همه کشورها در اختیار همه مطبوعات، احزاب
سیاسی و سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر بگذاریم . در این زمینه،
مدام باید آهنگ کار را سرعت بخشیم و هیچ امکان افشاگری را از دست
ندهم . وظیفه تک تک ما این است که تلاش ورزیم دامنه افشاگری ها را با
بعد فاجعه همخوان کنیم .

اسامی تازه های که بدست ما رسیده است :

هر روز و هر هفته زوایای تازه ای از جنایت عظیم رژیم خمینی در
کشتار زندانیان سیاسی بر ملا می گردد . مدام نامهای دیگری بر فهرست
اعدام شدگان افزوده می شود و همانگونه که در گزارش اخیر سازمان
هفویین الملل آمده است این تازه، نوک کوه یخ است .

در شماره گذشته نشریه اکثریت، نام ۱۹۴ تن از اعدام شدگان
اخیر، اعلام شد . در طی هفته گذشته ۸۸ نام دیگر به اطلاع ما رسیده است .
در اینجا یکبار دیگر از همه خوانندگان نشریه می طلبیم که ما را در
تکمیل و تدقیق فهرست اسامی شهیدان یاری رسانند . هر خبری را که در
زمینه کشتار اخیر و زندانیانی که به شهادت رسیده اند، در اختیار دارید
سریعا به اطلاع ما برسانید . با هر خبری گوشه دیگری از جنایات رژیم
جمهوری اسلامی بر ملا می گردد .

کسب خبر از داخل در زمینه کشتار زندانیان سیاسی و انتشار وسیع آن
در داخل و خارج، یک وظیفه انقلابی، مردمی و انسانی است . باید که همگی

- ۲۴۵- حسین صفوی نیا
- ۲۴۱- حمید طاهری (سازمان چریک های فدایی خلق اقلیت)
- ۲۴۲- محمدرضا طباطبائی طبری (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۲۴۳- مهر دادعاطفی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۴۴- بهزاد عبدالهی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۴۵- عرب وزیر (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۴۶- مسعود دلایی خستو (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۴۷- مهدی عمار (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۴۸- پرویز فراست (حزب توده ایران)
- ۲۴۹- فرزین پور
- ۲۵۰- خانم نلاحتی
- ۲۵۱- اصغر تاباقلو (حزب توده ایران)
- ۲۵۲- محی الدین قادری (اعدام شده در زندان سقز)
- ۲۵۳- سلمان قاسمی
- ۲۵۴- علیرضا قاسمی
- ۲۵۵- محمود دققی پور (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۵۶- قنبری
- ۲۵۷- زین العابدین کاظمی (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۲۵۸- کفایش پور
- ۲۵۹- مسن کیانفر
- ۲۶۰- رضا کیایی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۶۱- منوچهر گرم رودی
- ۲۶۲- گلپایگانی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۶۳- همزه محبوب (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۶۴- محمدی زاده
- ۲۶۵- محمود زاده (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۶۶- مسعودی تر
- ۲۶۷- مجتبی مطلع سرابی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۶۸- حمید معصومی
- ۲۶۹- رضا معظمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۷۰- بیژن مکنونی
- ۲۷۱- سیامک ملکی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۷۲- علی ملکی (اعدام شده در زندان سقز)
- ۲۷۳- منصور موسوی (رزمندگان)
- ۲۷۴- میرزا محمد میرزا محمدی
- ۲۷۵- لطفعلی میر ساردو (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۷۶- حمید میکائیل (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۷۷- نوربخش
- ۲۷۸- اسفندیار نیک منش (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۲۷۹- وطن خواه
- ۲۸۰- ماه شکویه
- ۲۸۱- پرویز مایونی
- ۲۸۲- یگانگی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۸۳- ...
- ۲۸۴- ...

- ۱۹۴- ...
- ۱۹۵- عزیزالله ابراهیمی گودرزی
- ۱۹۶- رحیم ابراهیمیان (اعدام شده در زندان ارومیه)
- ۱۹۷- محمد احمد نژاد (اعدام شده در زندان سقز)
- ۱۹۸- اسماعیلی
- ۱۹۹- دکتر محمد حسین اکبر زاده یوسفی
- ۲۰۰- محمود اکبری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۰۱- رضا اکرامی
- ۲۰۲- اقبال فرزندی سوزور (اعدام شده در زندان سقز)
- ۲۰۳- اوپسی
- ۲۰۴- بابایی
- ۲۰۵- بهمن باقر زاده (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۰۶- احمد باقی چنگ او
- ۲۰۷- ناصر بدری
- ۲۰۸- محمدرضا محمدی بهمن آبادی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۰۹- مریم محمدی بهمن آبادی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۰- محمد علی پرتوی (مبارز و زندانی سیاسی سرشناس دوران ستمشاهی)
- ۲۱۱- پناهنده
- ۲۱۲- هوشنگ پیر نژاد
- ۲۱۳- تاجگردان
- ۲۱۴- جابر تهران کعبی
- ۲۱۵- ثابتی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۶- مولا جلیلی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۷- جعفر جهانگیری
- ۲۱۸- حجازی
- ۲۱۹- امیر حسین حسینی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۲۰- حسن حقیقت (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۲۱- مصطفی خضری (اعدام شده در زندان سقز)
- ۲۲۲- حسن خوانساری
- ۲۲۳- منصور داوودان
- ۲۲۴- فتحی دیانت (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۲۵- حمید دوست محمدی
- ۲۲۶- رحمتیان
- ۲۲۷- احمد حمیدی
- ۲۲۸- احمد علی رصی (حزب توده ایران)
- ۲۲۹- عادل روزدار (حزب توده ایران)
- ۲۳۰- رودری
- ۲۳۱- زنجانی
- ۲۳۲- منوچهر سرحدی (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۲۳۳- رسول سلجوقی
- ۲۳۴- دکتر مهدی سلیمانی (حزب توده ایران)
- ۲۳۵- بهمن شاکری
- ۲۳۶- علی شیبانی (حزب توده ایران)
- ۲۳۷- سیامک شکوهی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۳۸- نادر صیری
- ۲۳۹- صفری (سازمان مجاهدین خلق)

کشمکش حکومتیان بر سر قانون اساسی

بخشی از سخنان خامنه‌ای رئیس جمهور در خطبه‌های نماز جمعه ۱۱ آذر به بحث پیرامون «قانون اساسی جمهوری اسلامی» اختصاص داشت. وی با اظهار اینکه «مانمی‌گوییم قانون اساسی بی‌عیب است بلکه عیوبی هم دارد که روزی آنها برطرف خواهد شد»، مخالفین «تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام» را به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت: «مشکلاتی که ممکن است با رعایت قانون اساسی بوجود آید... برعهده رهبری و مدیر جامعه است که راه را باز کرده و مشکل را حل کند... تشکیل مجمع تشخیص مصلحت به دستور امام، در همین زمینه بوده است و این امر نه تنها منافات با قانون اساسی ندارد بلکه متمم و مویده آن نیز میباشد». خامنه‌ای در ادامه سخنانش افزود: «در قانون اساسی سیاست‌گذاری کشور معین نشده و هیچ ارگان و یا شخصیتی به عنوان مسئول این کار مشخص نشده است».

چهار روز پیش از اظهارات خامنه‌ای، ۹۷ تن از نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به خمینی با ادامه فعالیت «مجمع تشخیص مصلحت» ابراز مخالفت کرده و تشکیل آن را خلاف «قانون اساسی جمهوری اسلامی» ارزیابی کرده بودند. همزمان با خامنه‌ای که در تهران سخن می‌گفت، مشکینی رئیس مجلس خبرگان و امام جمعه قم در خطبه‌های نماز جمعه اظهار داشت: «با پایان جنگ تحمیلی و بهبود وضعیت اقتصادی باید به همراه با سازی کشور در مواردی از قانون اساسی نیز تجدید نظر شود». طی روزهای اخیر مطالب مشابهی در مجلس از سوی سایر نمایندگان اظهار شده است. نماینده‌های روز پنجشنبه ۱۵ آذر گفت: «از مقام محترم رهبری و قائم مقام رهبری تقاضا می‌کنم زمینه تشکیل مجلس خبرگان متمم قانون اساسی را فراهم آورند».

کمیود سوخت و خاموشی‌های طولانی

با فرارسیدن فصل سرما، کمیود سوخت و خاموشی‌های طولانی مدت برق بر انبوه مشکلات روزمره مردم افزوده شده است. کمیود «گاز» و «گازوئیل» به حدی است که بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی به حالت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده‌اند و نیروگاه‌های تولید برق به دلیل فقدان سوخت مصرفی قادر به تولید برق با ظرفیت مورد نیاز نیستند. حتی کارخانجات آردسازی و بیمارستان‌ها نیز دچار اختلال فعالیت شده‌اند. خاموشی‌های روزانه، گاه به ۱۸ ساعت (از ساعت ۵ صبح تا ۲۳ شب) می‌رسد و فراراست برای جلوگیری از گسترش اعتراض مردم، برنامه خاموشی به چندین نوبت در ساعات متوالی در روز تقسیم شود. سخنگوی وزارت نیرو هفته گذشته در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری

اسیران جنگی به گروگان رژیم‌های ایران و عراق مبدل شده‌اند

کارشکنی در روند مبادله اسرا و حامل اصلی بن بست اجرای تفاهم‌نامه است. دولت عراق نیز ادعای مشابهی را طرح کرده و بویژه تأکید دارد که ۱۹۵ اسیر معلول و مجروح عراقی که می‌بایست در دور اول و دوم استرداد میشدند، بدون قید و شرط آزاد شوند.

دبیرکل صلیب سرخ، هفته گذشته پس از دیدار با پرژدوکوئیر دبیرکل سازمان ملل ضمن ارایه گزارش روند مبادله اسرا، اظهار داشت که «اسیران جنگی به گروگان‌های سیاسی در مبارزه بین ایران و عراق مبدل شده‌اند، چنین رفتاری با اسیران جنگی هم از لحاظ بشر دوستانه و هم از نظر قوانین بین‌المللی قابل قبول نیست». قرار بود که اسیران معلول و مجروح از روز بیستم آبان تا ۱۴ آذر سال جاری مبادله شوند و در این فاصله لیست سایر اسرای مجروح و بیمار به منظور ادامه استرداد همه اسرای بیمار و مجروح در اختیار نمایندگان صلیب سرخ در تهران و بغداد قرار گیرد تا استرداد آنان پیش از پایان هفته دوم دی ماه عملی شود.

به نوشته روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی دبیرکل سازمان ملل قصد دارد برای میانجیگری در مذاکرات ایران و عراق به تلاش تازه‌ای دست بزند. وی دو هفته پیش در ژنو اعلام داشت که به منظور کمک به از سرگیری مذاکرات طرفین، در آینده نزدیک به تهران و بغداد خواهد رفت تا با رهبران هر دو کشور ملاقات کند. پرژدوکوئیر زمان سفر خود را به وزرای خارجه هر دو کشور اطلاع داده است.

آخرین دور مذاکرات ایران و عراق یکماه پیش متوقف شد و برای ادامه گفتگوها زمان معینی اعلام نشده. تنها گفته شد که تا آغاز سال جدید میلادی مذاکراتی انجام نخواهد شد. هم‌اکنون نه تنها مذاکرات متوقف شده و گزارش‌های از روند گفتگوی ایران و عراق بازتاب نیافته است بلکه مبادله اسرا نیز با کارشکنی هر دو طرف بعد از آزادی تنها ۳۱۱ اسیر معلول و مجروح متوقف شد. رژیم ایران مدعی است که عراق در دو مورد تفاهم‌نامه مربوط به مبادله اسیران معلول و مجروح را نقض کرده و آغازگر



اسیرای ایرانی در اردوگاه رمادیه - عراق

سپردن ۲ میلیون ریال وثیقه برای استفاده دانشجویان از تسهیلات فیرارزی

راچنین برشمرده: معافیت از نظام وظیفه در دوران اشتغال به تحصیل، تمدید و تجدید رایگان گذرنامه، معافیت از عوارض گمرکی، مهر خروج از کشور، معافیت از عوارض خروج از کشور، صدور بلیط‌ریالی هواپیما برای مسافرت به کشور - سالی سه بار، همسر و فرزندان دانشجویان نیز مشمول این تسهیلات هستند.

بر اساس اظهارات معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی بر خوردار دانشجویان از تسهیلات فیرارزی مشروط به سپردن وثیقه نقدی یا ملکی به دولت است. مبلغ وثیقه برای اروپا و آمریکا ۲ میلیون ریال اعلام شده است.

معاون وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایران داشت که با اجرای مقررات جدید وزارت فرهنگ و آموزش عالی همه دانشجویان شاقل به تحصیلی در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در خارج از کشور از تسهیلات فیرارزی برخوردار خواهند شد. این تسهیلات که قبلاً فقط به دانشجویان دارای کارت اقامت دانشجویی تعلق می‌گرفت از این پس شامل دانشجویانی که از لحاظ اقامت وضع ناروشن و بلاتکلیفی دارند نیز خواهد شد و آن دسته از دانشجویان ایرانی که هنوز نتوانسته‌اند اجازه اقامت دانشجویی بگیرند، مجاز خواهند بود از تسهیلات فیرارزی بهره‌مند شوند. معاون وزیر فرهنگ برخی از این تسهیلات

از رنج آوارگان کرد، در اردوگاه‌های ترکیه



این رو ترکیه به کمیساریای هالی پناهندگان سازمان ملل اجازه کمک به آوارگان کرد را نمی‌دهد. در نتیجه، از ۳۵۰ میلیون دلاری که برای کمک به این آوارگان لازم است، درصد بسیار ناچیزی به آنها می‌رسد. دولت آنکارا تا مدت‌ها حتی به هلال احمر خود ترکیه هم اجازه کمک به مردم کرد در این اردوگاه‌ها را نمی‌داد.

به نوشته اشپیکل، باحمله رژیم صدام به کردستان عراق، ۶۰ هزار تن از مردم این منطقه به ترکیه پناه آوردند، اما شرایط فقیر انسانی در ترکیه باعث شد که از این تعداد، ۲۴ هزار نفر دوباره آواره کوه‌ها شوند و راه عراق یا ایران را در پیش گیرند. در این میان شمار آنهایی که به عراق بازگشتند بسیار اندک است.

هفته‌نامه آلمانی می‌نویسد رزستان سخت شرق ترکیه باسرمای تا ۲۵ درصد زیر صفر، مدت‌هاست آغاز شده است. مدت‌هاست که در منطقه اردوگاه‌ها برف به زمین نشسته است از پناهندگان کرد ۱۵ هزار نفر باید رزستان را در چادرها سرکنند. اشپیکل خاطر نشان کرده است که ساده‌ترین راه برای کمک به آوارگان کرد، این است که دولت آنکارا اجازه دهد آنها به نزد اقوام و خویشاوندان خود در میان مردم کرد ساکن شرق ترکیه بروند. اما رژیم ترکیه که از تقویت مبارزه خلق کرد، خود نیز در هراس است، از چنین اقدامی سرباز می‌زند.

اشپیکل در پایان می‌نویسد: "مقامات می‌خواهند پناهندگان را آنقدر در اردوگاه‌های تحت محاصره نظامی تحت کنترل نگه دارند تا بتوانند مهمانان ناخوانده را اخراج کنند. کی و به کجا، کسی نمی‌داند."

بقيه از صحنه آخر در ازای پول توزیع می‌کنند... ترکها از پزشکان خارجی استقبال نمی‌کنند، زیرا یک هیات پزشکان آمریکایی می‌گوید به دلایلی در اردوگاه‌ها بر خورده است که حاکی است ارتش عراق علیه کردها به سلاح شیمیایی متوسل شده است.... بازدیدکنندگان، مرتباً آوارگانی را می‌بینند که جراحات آنها کاملاً می‌تواند ناشی از گازهای سمی باشد: نوزادانی با چشمهای بیش از حد بزرگ که مرتب استغراق می‌کنند، مردان و زنانی با پوست تغییر رنگ داده، کودکانی که پوستشان در میان پاها و زیر بغل بشدت عفونی شده است. یک پزشک نظامی ترک به هیات می‌گوید: "اینجا بیماری پوستی کاملاً عادی است." اما بچه‌های اردوگاه، روی کافز چگونگی ایجاد این جراحات را می‌کشند: هواپیماها بمب‌هایی می‌انداختند که از آنها ابری زرد رنگ برمی‌خاست."

هفته‌نامه آلمانی سپس می‌افزاید به گفته یک زن ساکن اردوگاه، این ابر سمی وقتی به زمین می‌نشست، همه چیز را از بین می‌برد: انسانها، بڑها و پرندگان. به گزارش اشپیکل، یک اردوگاه در نزدیکی دریاچه وان بکلی بروی بازدیدکنندگان خارجی بسته است و در آنجا حتی اجازه‌نامه وزارت خارجه در آنکارا نیز برای ورود به اردوگاه کارساز نیست. نمایندگان کمیساریای هالی پناهندگان سازمان ملل نیز اجازه ورود به این اردوگاه را ندارند. اشپیکل می‌نویسد از نظر دولت ترکیه، پناهندگان کرد عراقی پناهنده به مفهومی که در کنوانسیون ژنو آمده نیستند، بلکه "افراد رانده شده" اند. از

خودسوزی يك پناهنده ایرانی در تایلند

متن يك نامه ار سالی به آدرس نشریه "اکثريت" از تایلند

"بدرود بی پایان به رفقای مبارز

در تاریخ ۱/۱۳/۸۸ همزمان با حرکت قهرمانانه ایرانیان در سرتاسر جهان، ما زندانیان سیاسی پناهنده در زندان مهاجرت تایلند برای همگامی با این حرکت اعلام اعتصاب غذا کردیم. در ساعت ۱۰ بامداد روز ۵ شنبه یکی از رفقا به عنوان اعتراض به رژیم جنایتکار خمینی و عملکرد سازمان ملل در رابطه با ایرانیان پناهنده، اقدام به خودسوزی نمود که حدود ۵۰ درصد از اعضای بدن او در شعله‌های آتش سوخت و بوسیله پلیس روانه بیمارستان گشت. او که نام دارد، تاکنون مدت سه سال مانند دیگر ایرانیان پناهنده در تایلند، در زندان‌های متفاوت بسر می‌برد. از رفقا خواهانیم که فریاد ما بندیان راهگام با دیگر هموطنان به گوش جهانیان برسانید. مرگ بر امپریالیسم آمریکا! مرگ بر خمینی جلاد! دوردبر آزادی!"

آنان تحقق برنامه‌های رژیم جمهوری اسلامی باشد. وزیر گروه‌ها را "بد سابقه" و فاقد "پشتوانه عملی قابل اتکا" برای رژیم خواند و اظهار داشت اگر فعالیت در چارچوبی که جمهوری اسلامی طرح کرده است، انجام شود، "ضمن مهمی در حفظ و تثبیت حرکت حکومت در راستای اهداف اسلام خواهد بود."

محتشمی در مورد ویژگی معیارهای قانونی رژیم برای اجازه فعالیت گفت: "قانون حدود و مقرراتی را قائل شده که احزاب باید تشکیلات سیاسی خود را با آن تطبیق دهند. در این مورد محور اصلی قانون اساسی، قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در شهریور سال ۱۳۶۰ و آیین‌نامه‌های مربوطه‌ای است، که در مراجع صلاحیتدار به تصویب رسیده است. و آن دسته از احزاب و گروه‌های سیاسی می‌توانند فعالیت داشته باشند که مشمول تخلفات بندهای ماده ۱۶ قانون احزاب نباشند و احزاب و گروه‌هایی که خود را ملزم به رعایت مفاد قوانین مربوطه بدانند... می‌توانند فعالیت حزبی داشته باشند."

وزیر کشور با اشاره به ماده ۷ قانون احزاب درباره صلاحیت افرادی که از نظر جمهوری اسلامی می‌توانند به تشکیل حزب، دسته و گروه سیاسی اقدام کنند، گفت: کسانی شایستگی دارند که "همه توان، قدرت و مدیریت را در مسیر امداد و تلاش برای حل مشکلات نظام مقدس اسلامی کشور بکار گیرند."

اسلامی اظهار امیدواری کرد که در طرح جدید هر مشترک در هر نوبت خاموشی بیشتر از ۳ ساعت نداشته باشد و فاصله روشن شدن برق تا خاموشی بعدی دست کم ۶ ساعت بیشتر نشود.

احداث پالایشگاه

در بندر عباس

توسط ایتالیا و ژاپن

به گزارش خبرگزاری رویتر طبق توافق ایران با انحصارهای ایتالیا و ژاپن قرار شده است یک شرکت مهندسی ژاپنی - ایتالیایی ۲۵ درصد از هزینه ۲ میلیارد دلاری تأسیس یک پالایشگاه در بندر عباس را تأمین کند. بازپرداخت هزینه از سوی ایران از طریق صدور نفت خام خواهد بود. ایران قرار است حداقل ۵۰ درصد هزینه کل طرح را به صورت نفت خام و به قیمت بازار پرداخت کند.

اظهارات وزیر کشور

پیرامون

فعالیت احزاب

وزیر کشور روز چهارشنبه ۲۳ آذر در گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با تشریح ضوابط فعالیت احزاب در نظام جمهوری اسلامی تأکید کرد تنها به گروه‌هایی اجازه فعالیت داده خواهد شد که هدف

گورگنان، تنها مرگ را می فهمند

و جرثقه ها، آتشفشان را

بیاد رفیق حمید تاج دینی

بیاد رفیق علی رضا محمدی کمیجانی

در دانشگاه ارومیه آغاز کرد. حمید از همان سالها، در ارتباط با یک گروه مخفی هوادار سازمان فعالیت می کرد. هنگامی که جنبش ضد دیکتاتوری اوج گرفت، حمید از سازماندهان پیشگام در دانشگاه ارومیه بود. وی در برچیدن بساط گارد دانشگاه نقش موثری داشت.

همزمان حمید، خلایق و ابتکار او را در سالهایی که هجوم گزمنه های خمینی به کردستان، حکومت شبه نظامی را در ارومیه برقرار کرده بود، به یاد دارند. حمید در سخت ترین شرایط کار پیشبرد فعالیتها در ارتباط با سازمان را در شهر ادامه می داد.

پس از به اصطلاح "انقلاب فرهنگی"، حمید که بعد از

در یاد من آتشی است از صورت دوست

ای فضا اگر تو زهره داری پادار!

مولوی

رفیق حمید تاج دینی را همه بچه های قدیمی محله پاچنار تهران به یاد دارند. حمید، با آن روحیه سرزنده و پرشورش، حمید با آن همه دوست و رفیقی که داشت، حمید با خصلت های همیقا مردمی و انسانی اش.

حمید در سال ۱۳۳۶ در تهران متولد شد. او از همان سنین کودکی، گسترده ترین روابط را با هم سن های خود و همه بچه های محل برقرار می کرد. هنوز

در روزهای انقلاب، یکپارچه شور و حرکت بود. مدام بین اراک و تهران در آمد و شد بود، تا اعلامیه ها و جزوات سازمان را به اراک برساند. او در این دوره، در ایجاد استخوانبندی تشکیلات هوادار سازمان در اراک نقشی اساسی ایفا کرد. او پس از انقلاب در هدایت این تشکیلات نقش عمده ای داشت.

علی از آن افرادی بود که قابلیت های مختلفی دارند. هم فعالیت سازمانگرا نه داشت و هم یکی از ارکان فعالیت های تبلیغی و انتشاراتی سازمان در اراک و شهرهای مجاور بود. یکی دیگر از محورهای فعالیت علی کار در زمینه دهقانی بود. در اراک جنبش دهقانی حول مساله زمین بسیار قوی و پر دامنه بود و علی از جمله به دلیل داشتن ارتباطات سنتی و ریشه دار با روستا، شناخت خوبی از این مبارزات داشت.

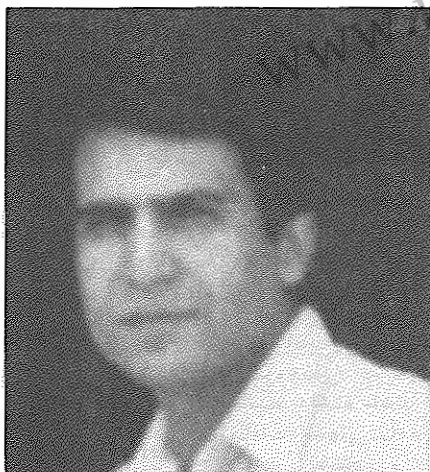
علی از جمله فعالین سازمان در اراک بود که بسی زود تحت پیگرد هوامل رژیم قرار گرفت. مدام می بایست بر حالت اختفای خود بیفزاید، بی آنکه از ترکش کاسته شود. پس از چندی به ناچار از اراک خارج شد. در سال ۱۳۶۵ دستگیر شد و زیر شکنجه های شدید قرار گرفت و بالاخره در جریان کشتار وسیع زندانیان سیاسی به جوخه اعدام سپرده شد.

اکنون در اراک از علی سخن می رود، از یک کمونیست دلاور، از رفیقی صمیمی، پر شور و پرکار، از مبارزی که با تمام وجود دلبسته مبارزه در راه آزادی و بهروزی مردم بود.

علی رضا محمدی کمیجانی متولد سال ۱۳۳۵ بود. در اراک تولد یافته و بجز در یک دوره کوتاه در پیش از اسارت، همواره در این شهر سکونت داشت. از دواج کرده و پسری داشت که اکنون ۶ سال دارد. علی رضا - نیز نامیده می شد - در خانواده ای زحمتکش و دارای سنت مبارزاتی رشد یافته بود. از دوره نوجوانی به مبارزه علیه رژیم شاه گرایش یافته و پس از حماسه سیاهکل از طریق روابط سیاسی پیرامون خود، هوادار سازمان شده بود. دوره متوسطه را در دبیرستان مجیدی طی کرده بود. دبیرستانی که همدا فرزند خانواده های محروم در آن درس می خواندند. او به همراه دوستانش در این دبیرستان کتابخانه ای برپا کرده بود که نقش چشمگیری در روشن کردن اذهان دانش آموزان داشت. از سالهای آخر دبیرستان جزوات و اعلامیه های سازمان به دستش می رسید و خود او نقش فعالی در پخش آنها در شهر اراک ایفا می کرد.

علی در سال ۱۳۵۴ وارد مدرسه عالی علوم اراک شد و در رشته فیزیک به ادامه تحصیل پرداخت. در این دوره به کار صنفی دانشجویی نیز رو آورد و همواره از سازمانگران اصلی حرکات دانشجویی در شهر اراک بود. در سال ۱۳۵۵ دستگیر شد، اما با محدود جلوه دادن فعالیتهايش در یک چارچوبه صنفی توانست پس از چندماه خلاصی یابد. از سال ۱۳۵۶ روابط سیاسی اش با هواداران سازمان شکل کاملاً ارگانیکی یافت. او

علاوه بر فعالیت های تبلیغی و انتشاراتی، در امر تدارک عملیات مسلحانه نیز به مشارکت پرداخت.



دانشگاه اخراج شد، ارومیه را ترک کرد و به تهران آمد. وی در مدت ۶ سال، هلیرقم سخت ترین شرایط و فشار سنگین اقتصادی، به زندگی و مبارزه خود ادامه داد. حمید که برای گذران زندگی، مجبور به انجام کارهای مختلف در نقاط مختلف بود، هر جا که می رفت، به ویژه در میان کارگران همکارش، دوستان بسیاری پیدا می کرد. پای صحبت او که می نشست، چیزهای زیادی داشت که از زندگی

دوستان او به یاد دارند که حمید چگونه کتابخانه محل را ترتیب داد و با استفاده از ابتدایی ترین وسایل، آپاراتی ساخت که با آن همراه با دوستانش "سینما"یی درست کرده و بچه ها را جمع می کردند. محیط زندگی حمید، او را خیلی زود آماده پذیرش اندیشه مبارزه در راه بهروزی مردم کرد. حمید در دبیرستان به عنوان دانش آموزی مبارز شناخته شده بود. وی در سال ۱۳۵۵ تحصیل خود را در رشته کشاورزی

گوشه‌هایی از زندگی

رفیق شهید، فدائی خلق ناصر عطایی

در میان قهرمانانی که در کشتار اخیر زندانیان سیاسی اعدام شدند، نام فدایی خلق رفیق ناصر عطایی به چشم می‌خورد. رفیق ناصر در سال ۱۳۳۱ در بم به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا پایان دبیرستان در بم و کرمان گذراند. وی در سال ۱۳۵۱ وارد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شد و در رشته جامعه‌شناسی به تحصیل خود ادامه داد.

رفیق ناصر نیز از روشنفکران انقلابی متعلق به نسلی بود که همزمان با تولد و مبارزه سازمان فدائیان، وارد عرصه پیکار با دیکتاتوری شد. رفیق عطایی با آرزوی محو ظلم و استثمار، به جنبش دانشجویی هوادار سازمان پیوست.

رفیق ناصر عطایی که در زمان خیزش مردم علیه دیکتاتوری شاه، سرباز بود، در آبان ۵۷ پادگان را ترک کرد و به مبارزات توده‌ها پیوست. وی پس از انقلاب به شهرستان خود بازگشت و به عنوان دبیر مشغول به کار شد.

وقتی دژخیمان رژیم در سال ۱۳۶۵ قصد جان‌ش را کردند، وی به تهران رفت و تا سال ۱۳۶۵ که دستگیر شد، در تهران به زندگی و مبارزه خود ادامه داد.

رفیق ناصر در سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و در سال ۶۴ صاحب فرزندی شد که از او به یادگار مانده است.

رفیق ناصر محبوب و فروتن بود. پا در راه همشهری فدایی‌اش رفیق عباس دانش‌بغزادی نهاد و نام او را لقب گرفت. در تشکیلات او را عباس می‌نامیدند. زمانی که در شهریورماه ۱۳۶۵ دستگیر شد، قهرمانانه در مقابل دژخیمان ولایت فقیه ایستاد. سه ماه انفرادی توأم با شکنجه و چکتین تردیدی در اراده و هزمش در ادامه راهی که برگزیده بود ایجاد نکرد. آرزوی گشوده شدن دهان برای افشای اسرار خلق و سازمانش را بر دل شکنجه‌گران نهاد. وی را پس از یک سال، محاکمه و به ۱۲ سال زندان محکوم کردند. رفیق ناصر عطایی از مبارزان ثابت قدم شرکت کننده در موارد اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

سعادت را نه فقط برای خود، بلکه برای همه مردم می‌خواست. از آخرین نامه‌ای که نوشته است، عشق به زندگی و در همین حال پایداری در برابر دشمن، کاملاً پیداست:

”من خوب و سرحال هستم و مثل گذشته قلم با شما می‌نویسم... به همه اقوام هم‌زمان سلام برسان و بگو با یاد و خاطره آنها لحظه‌ها را سپری می‌کنیم. با دروهای بیکران...”

حمید را به احتمال زیاد در شهریورماه تیرباران کرده‌اند. محل دقیق مزار او را نگفته‌اند، اما تقریباً یقین وجود دارد که او نیز در یک گور جمعی در خاوران آرمیده است، در کنار انوش و سایر قهرمانان خلق.

درو به رفیق قهرمان، فدایی خلق، حمیدتاج دینی!

کارگران، از روحیات و افکارو مسائل آنها تعریف کند. حمید از سن خود بسیار پخته‌تر بود، او در همین سالها ازدواج کرد و صاحب دو فرزند شد.

فدایی خلق، حمیدتاج دینی را در ضربات سال ۶۵ دستگیر کردند. او بارها به شدت مورد شکنجه قرار گرفت و بعنوان یکی از مقاوم‌ترین چهره‌های اوین شناخته شد. حمید هر بار در اعتصاب غذای زندانیان فعالانه شرکت می‌کرد. او یک سال و اندی پس از دستگیری به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

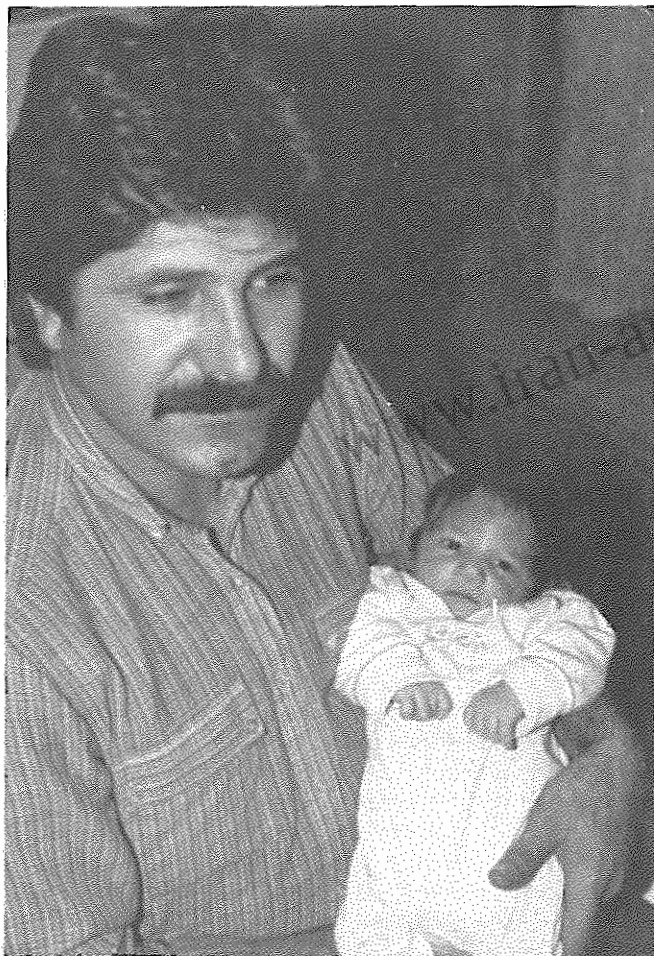
حمیدتاج دینی در میان ۷۵ نفری بود که در اوایل سال ۱۳۶۷ به بازداشتگاه ساواک در سلطنت‌آباد (پاسداران) انتقال یافتند.

حمید عاشق زندگی بود. او

شهیدان هم می‌ترسند. آنها که رفیق ناصر عطایی را می‌شناسند، به یاد دارند که او با صدای گرمش، همیشه در جمع دوستان ترانه “چشم ستارگان” را می‌خواند. آنها اطمینان دارند که رفیق ناصر، در شب واپسین، زمزمه می‌کرد:

”امشب در سر شوری دارم، امشب در دل نوری دارم، باز امشب من در اوج آسمانم...”
رفیق ناصر در سحرگاه یک روز پاییزی (به احتمال زیاد ۹ آبان ۱۳۶۷) با سر افراشته به میدان تیر رفت و به آخرین عهد خود با خلق خویش، وفا کرد.

یادش گرامی باد!

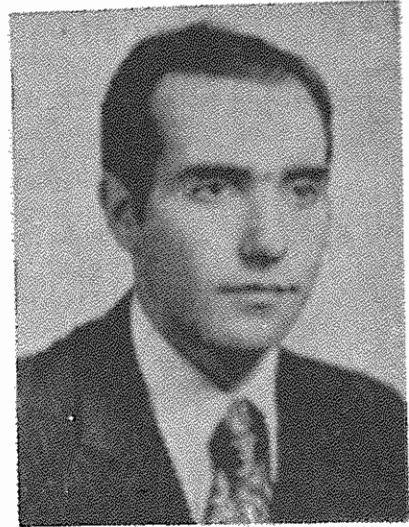


همکسی از رفیق شهید ناصر عطایی: ۱۲ روز پس از تولد کودکش و یک هفته قبل از دستگیری‌اش.

بر سینه پر مهر او گلوله نشسته است و چهره نجیبش اینک در زیر خاک است.

دژخیمان چه زندگی‌ها را که بر باد دادند، چه قلبهایی را که نشکستند و چه انسان‌های بزرگوار، از جان گذشته و مردم دوستی را که بر خاک نیفتدند. اینک کودک ناصر چشم به تو دوخته است، تو، ای هر آن کسی که تصویر وی را در برابر داری و قلبت آکنده از رنج و درد می‌شود. هزاران کودک چون او، پدران و مادرانشان سرنوشته‌ی چون سرنوشته ناصر یافته‌اند. آنها همه چشم به تو دوخته‌اند.

از حیات پر بار رفیق شهید، جهانگیر فتحی



نام فدایی خلق، رفیق شهید جهانگیر فتحی، در شمار نخستین اسامی زندانیان سیاسی بود که خبر اعدامشان در کشتار اخیر، به خارج از زندان رسید.

رفیق جهانگیر فتحی در سال ۱۳۲۱ در روستای ورزقان واقع در منطقه مغان آذربایجان بدنیا آمد. پدر او در هنگامی که جهانگیر دو سال بیشتر نداشت، درگذشت و مادرش، بار سنگین تربیت فرزند را به تنهایی بر دوش گرفت. جهانگیر از کودکی با رنج محرومیت زندگی روستایی آشنا شد. وی در پانزده سالگی به تهران آمد و کارگر ساختمانی شد. جهانگیر با تلاش و کوششی سرمشق گونه، به موازات کار به تحصیل پرداخت. با تنی خسته از کار روزانه، شبها درس می خواند تا به افق هایی روشن تر از آنچه کار جانکاه در برابرش قرار می داد، دست یابد. مدتی بعد، جهانگیر برای امرار معاش و امکان پذیر کردن ادامه تحصیل، به استخدام ارتش درآمد. وی بالاخره توانست در دانشکده حقوق دانشگاه تهران قبول شود. محیط سیاسی دانشگاه، جهانگیر را که از میان مردم محروم و زحمتکش برخاسته بود، به نصیری انقلابی و مصمم به تغییر وضع موجود، تبدیل کرد.

جهانگیر فتحی، پس از مدتی کار در وزارت کشور، آنجا را ترک کرد و به وکالت پرداخت. دوره کار او به عنوان وکیل، دوره ای پر بار از زندگی فردی است که دانش و تخصص خود را در خدمت

ستم دیدگان قرار می دهد. فعالین کانون وکلا به خوبی به یاد دارند که جهانگیر فتحی با چه شور و شوقی در سازماندهی اعتراضات وکلا در جریان خیزش مردم علیه رژیم شاه، شرکت میکرد. جهانگیر همچنین در برپایی تظاهرات خیابانی و شبانه، شرکت خستگی ناپذیری داشت. او در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن، در حمله به نیروی هوایی، پادگان باغشاه و جی شرکت کرد.

رفیق فتحی پس از انقلاب به سازمان پیوست و زندگی پرثمرش را در خدمت سازمان قرارداد. تجارب شغلی و زندگی پرفراز و نشیبش، او را به مبلغی زبردست تبدیل کرده بود که هیچ فرصتی را برای دفاع از آرمان زحمتکشان، از دست نمی داد. وی پس از سال ۶۲، در سازماندهی جدید، به عضویت یکی از گروه های سازمان درآمد و در همین حال به شغل وکالت خود ادامه داد.

در جریان ضربات سال ۶۵، رفیق جهانگیر فتحی را در ۲۹ شهریور این سال بازداشت کردند. او در زندان به مقاومت در برابر مزدوران پرداخت و از آزمایش دشوار اسارت، سربلند بیرون آمد. پس از یک سال شکنجه شدید، رفیق جهانگیر را به دو سال زندان محکوم کردند. اما دژ خیمان، نمی توانستند جرم پایداری رفیق فتحی را بر او ببخشند. آنان رفیق فتحی را نیز به همراه سایر فرزندان برومند مردم ایران، تیرباران کردند.

بیاد رفیق محمود رضایکند

در تظاهرات برگزار شده از سوی کمیته دفاع از صلح و زندانیان سیاسی ایران، در برابر دفتر امور پناهندگان سازمان ملل متحد در کراچی بدست تروریست های رژیم خمینی کشته شد. تروریستی از یک اتومبیل که اتومبیل دیگری آنرا اسکورت می کرد، پیاده شد و به سمت جمعیتی که در برابر دفتر سازمان ملل متحد اجتماع کرده بودند، شلیک کرد. مردم ۵ مجروح این جنایت عوامل خمینی را به بیمارستان رساندند. معالجات در مورد رفیق محمود رضایکند موثر واقع نشد و وی قربانی تروریسم جمهوری اسلامی گشت.

در رسانه های همومی پاکستان جنایت کراچی بازتاب وسیعی یافت. در همه جا صراحتاً گفته شد که جنایتکاران عوامل رژیم خمینی بوده اند و باید که شناسایی شده و به سزای اعمال خود برسند. این بار نخست نیست که



رفیق محمود رضایکند با تمام قوا می کوشید رژیم خمینی را در نزد افکار همومی مردم پاکستان افشا کرده و آنها را به همبستگی با جان زندانیان سیاسی در ایران فراخواند. در هکس او پلاکاری در دست گرفته که بر روی آن نوشته شده است: به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران برخیزید.

تروریست های خمینی خاصه در پاکستان، دست به چنین جنایتی می زنند. باید که با وحدت عمل، هوشیاری و یاری طلبیدن از افکار همومی و احزاب و سازمان های ترقی خواه در هر کشور توطئه های عوامل رژیم رخنه و تروریسم جمهوری اسلامی را به تمامی افشا کرد.

رفیق محمود رضایکند قربانی این تروریسم شد. نام وی در زمره صدها نام درخشان دیگری قرار گرفت که در موج جدید کشتار فرزندان خلق به شهادت رسیدند.

رفیق محمود رضایکند متولد سال ۱۳۳۴ در شهر آبادان بود. سال های دبستان و دبیرستان را در شهر آقاجاری طی کرده و در روزهای انقلاب، یکی از فعالین تظاهرات و خیزش های توده ای در این شهر بود. او پیام سازمان را به میان مردم می برد و در سازماندهی مبارزه زحمتکشان آقاجاری نقش به سزایی داشت. پس از انقلاب او از بنیانگذاران ستاد تبلیغاتی سازمان در آقاجاری و بیدلند در دوره انتخابات مجلس بود. شور و تحرک رفیق محمود، وی را به یکی از محورهای حرکت های تبلیغی سازمان در آقاجاری بدل می کرد.

مدتی از فعالیت انقلابی رفیق محمود در شهر شیراز متمرکز بوده است. رفیق در حرکت و تشکل دیپلمه های بیکار در شیراز نقش مهمی داشته است. فعالیت های انقلابی و تحت تعقیب بودن از جانب رژیم، وی را ناگزیر

به ترک شیراز و رفتن به بوشهر کرد. پس از مدتی اختفا در بوشهر به ناگزیر جلائی وطن کرده و در اردیبهشت ماه امسال مخفیانه رفسپار پاکستان شد.

در دوره مهاجرت نیز فعالیت انقلابی رفیق محمود پیگیرانه ادامه یافت. او می کوشید مهاجرین سیاسی متحد و یکپارچه باشند تا بتوانند یکصدا فریاد خلق های ستم دیده ایران را در هر صحن بین المللی بازتاب دهند.

رفیق محمود رضایکند در روز ۱۴ آذر (۵ دسامبر) پس از شرکت

جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف:

ای جلاد دنگت باد! ای جلاد مرگت باد!

در هفته‌های اخیر به دنبال بر ملا شدن خبر همراه افتادن حمام خون در زندان‌های سیاسی ایران حرکت‌های افشاگرانه نیروهای سیاسی و توده ایرانیان خارج از کشور بر روی بسج افکار عمومی جهانیان برای محکوم کردن این جنایت عظیم و دفاع از جان زندانیان سیاسی در ایران متمرکز شد. این حرکت، بازتاب آنها در هر صه جهانی و اظهار همبستگی نیروها و سازمان‌های ترقیخواه و بشردوست با زندانیان سیاسی ایران رژیم را هر چه بیشتر رسوا کرد. سران رژیم در چند مورد ناچار گشتند بدین رسوایی جهانی معترف گشته و از وجود یک موج نیرومند جهانی اعتراض علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران سخن گویند اینها موفقیت است، اما هنوز حرکات برای به ثمر نشستن باید بسی گسترده‌تر شوند. مبارزه‌ای را که فراز تازه‌ای یافته است باید پیگیرانه پیش ببریم، باید نیروها را یکی کنیم و هیچ امکانی را برای افشاکاری از دست ندهیم. رژیم خمینی هیچ دست‌کمی از رژیم شیلی یا آفریقای جنوبی ندارد و حتی به جهاتی بسیار از آنان جنایتکارتر است. باید تلاش ورزید که همبستگی بین‌المللی با مردم ایران و زندانیان سیاسی در ایران دامنه‌ای همچون همبستگی بین‌المللی با مردم شیلی و آفریقای جنوبی بیابد. نیل به این هدف، پیش از هر چیز بستگی به رزم خود ما دارد. این رزم در صورتی به تمامی به بار مینشیند که متحدانه باشد. در این زمینه در هفته‌های اخیر تجربیاتی به دست آمده که باید آنها را پاس داشت و گسترش بخشید. اتحادها را باید همه‌جانبه‌تر و مستحکم‌تر و اشکال موقت همکاری را به اشکال پایدار تبدیل کرد.

در زیر جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف حرکت‌هایی که در هفته‌های اخیر صورت گرفته‌اند، بازتاب می‌یابند. لازم به توضیح است که انعکاس دادن گزارش این یا آن حرکت افشاگرانه در نشریه صرفاً

با هدف بازتاب دادن جلوه‌هایی از حرکات عمومی توده ایرانیان ترقی‌خواه در خارج از کشور صورت می‌گیرد.

سوئد

استکلم

- در روز ۱۶ دسامبر بنا بر فراخوان کمیته موقت دفاع از حقوق بشر در ایران عده‌ای از ایرانیان مقیم استکلم در اعتراض به کشتارهای اخیر و سفر لاریجانی، سفیر خمینی در سازمان ملل متحد به سوئد، در مقابل مرکز تلویزیون استکلم بست نشستند. تلویزیون سوئد شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی مصاحبه‌ای حول وضعیت زندانیان سیاسی در ایران ترتیب داد.

ژاپن

به ابتکار انجمن پناهندگان و متقاضیان پناهندگی ایرانی در ژاپن از تاریخ ۲۶ نوامبر اعتصاب غذای سه‌روزه‌ای به منظور بازتاب دادن موج کشتار زندانیان سیاسی در ایران در محل دفتر سازمان حقوق بین‌الملل در ژاپن

در تاریخ یکشنبه ۱۱ دسامبر به دعوت "کمیته موقت برای دفاع از حقوق بشر در ایران" تظاهراتی به منظور محکوم کردن کشتار جمعی زندانیان سیاسی و دفاع از باقیمانده زندانیان در میدان مرکزی شهر استکلم برگزار گردید. در این تظاهرات حدود ۳۵۰ نفر از ایرانیان شرکت داشتند. صف تظاهرکنندگان پس از اجتماع در میدان مرکزی شهر اقدام به راهپیمایی در خیابانها نمود. شرکت‌کنندگان با دادن شعارهای مختلف ضمن اعتراض به کشتار فرزندان خلق از مردم و دولت سوئد درخواست پشتیبانی و محکوم کردن جمهوری اسلامی را می‌نمودند. در طول مسیر راهپیمایی قطعنامه و اعلامیه‌های "کمیته" بین مردم پخش گردید

برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی، ضمن تاکید بر ضرورت قطع اقدام و شکنجه و آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران، خواهان اهرام سریع حیاتی از جانب سازمان حقوق بین‌الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برای مشاهده وضعیت زندانیان سیاسی و نقض

این حرکت اعتراضی مورد استقبال مردم قرار گرفت. و تلویزیون سراسری سوئد فیلم و خبر آن را پخش نمود. این حرکت در سطح کشور سوئد تقریباً بی‌سابقه بود که چندین نیروی سیاسی علیرقم گرایشات مختلف فکری توانستند به شکل کاملاً دموکراتیک در زمینه دفاع از جان زندانیان سیاسی متحد شوند

هاری‌فرد

در روز اول دسامبر دانش‌آموزان ایرانی در تظاهراتی که از سوی مدرسه شبانه‌روزی این شهر در اعتراض به رژیم‌های سرکوبگر در جهان برگزار شده بود شرکت جستند و با پخش اعلامیه و توضیح شفاهی به افشای جنایات رژیم خمینی در زندانها پرداختند. بقیه در صفحه بعد

حقوق بشر در ایران و در صورت امتناع رژیم از پذیرفتن این هیات، افشای این موضوع در سطح جهانی بودند. این خواسته‌ها همراه با خبر اعتصاب غذا در روزنامه‌های ژاپن از جمله کثیرالانتشاری چون یومیوری، آساهی و ژاپن‌تایمز بازتاب گسترده‌ای یافت.



ژاپن: اعتصاب غذا در دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران

بقیه از صفحه قبل

نروژ

از تاریخ ۱۳ تا ۱۷ دسامبر به فراخوان انجمن ایرانیان در شهر هاگسوند نروژ اعتصاب غذای پربازتابی در این شهر برگزار شد که خبر آن به کرات در رادیوی محلی پخش شد و همچنین روزنامه شهر خبر آن را با ذکر خواسته‌های شرکت‌کنندگان در این اقدام افشاگر درج کرد. شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی در هر تماسی بر روی این خواسته‌ها: قطع فوری شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و آزادی آنان و نیز ضرورت اعزام هیاتی برای بازدید زندانهای ایران، تاکید می‌کردند. کمونیست‌ها و دیگر نیروهای ترقیخواه نروژی از این اعتصاب غذا اعلام حمایت کردند.

اتریش

با فراخوان "جمعیت همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران" از روز ۱۶ تا ۲۱ آذر (۷ تا ۱۲ دسامبر) در محلی واقع در مرکز شهر وین عده‌ای از ایرانیان مبارز دست به اعتصاب غذا زدند. محل اعتصاب غذا در طول مدت برگزاری این حرکت افشاگرانه شاهد رفت و آمدهای مدام و ابراز همبستگی از جانب ایرانیان و نیروهای مترقی اتریش بود.

آلمان فدرال

فرانکفورت

در روز ۱۸ نوامبر تظاهرات ایستاده‌ای در برابر دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در مرکز شهر فرانکفورت برگزار شد که در جریان آن تعداد کثیری اعلامیه در افشای جنایات جمهوری اسلامی در زندان‌ها پخش شد. در قطعنامه این تظاهرات آمده است: "ما از تمامی نیروهای آزادیخواه و مترقی ایران می‌خواهیم که با حرکت و اقدام متحدانه خود حول آزادی زندانیان سیاسی، به این

سوئیس

بنابر فراخوان کانون پناهندگان ایرانی در سوئیس از تاریخ ۹ تا ۱۱ دسامبر اعتصاب غذای سه‌روزه‌ای در شهر زوریخ برگزار شد. در قطعنامه پایانی این اعتصاب غذا چنین آمده است:

- ۱ - ما کشتار گسترده اخیر زندانیان سیاسی را توسط حاکمان بقایت فاشیست جمهوری اسلامی ایران به شدت محکوم می‌نمائیم.
- ۲ - ما خواهان محکوم کردن جنایات ددمنشانه اخیر رژیم حاکم بر ایران در رابطه با زندانیان سیاسی از سوی مجامع بین‌المللی و مدافع حقوق بشر می‌باشیم.
- ۳ - ما از کلیه احزاب و سازمانهای مترقی ایرانی و غیر ایرانی و انسانهای آزاده جهان درخواست می‌نمائیم که شکنجه و کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی را محکوم نموده و صدای اعتراضشان را سرتان نمایند.
- ۴ - ما از ملت شریف و انساندوست و دولت سوئیس درخواست می‌کنیم جنایات هولناک رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران را علیه زندانیان سیاسی محکوم نموده و در راه توقف این اعمال وحشتناک به تعهدات انسانی بین‌المللی خویش جامه عمل بپوشاند."

آمریکا

هیوستون

در تاریخ ۵ دسامبر ایرانیان آزادیخواه متقیم شهر هیوستون (واقع در ایالت تگزاس) برای افشای جنایات جمهوری اسلامی در زندانها در برابر ساختمان صلیب سرخ این شهر تظاهراتی برپا کردند که در آن ۴۵ نفر شرکت داشتند.

دالاس

در روز ۴ دسامبر به فراخوان کمیته صلح و دموکراسی در ایران و کمیته همبستگی با خلق السالوادور گردهمایی پرشوری با شرکت ۸۵ تن از ایرانیان، السالوادوری‌ها و آمریکایی‌ها تشکیل گردید که در آن سخنرانی‌هایی در دفاع از جان زندانیان سیاسی در آمریکای لاتین و در ایران ایراد شد.

دالاس: گردهمایی در دفاع از جان زندانیان سیاسی

وظیفه مبرم امروزی ایران پاسخ گویند."

هایدلبرگ

در روز ۲۵ نوامبر جمعی از پناهندگان سیاسی در هایدلبرگ در مرکز شهر هایدلبرگ دست به افشاکاری در مورد برپایی حمام خون در زندانهای سیاسی ایران زدند. در اعلامیه فراخوان به این تظاهرات آمده بود: "ما یقین داریم که فریاد اعتراض در ایران و در عرصه جهانی به حفظ جان زندانیان سیاسی ایران کمک خواهد کرد."



فرانکفورت: تظاهرات در برابر دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی



«آقای گنشر!

پیج کردن

کشتار را قطع نمی کند!»

روز چهارشنبه ۱۶ آذر (۷ دسامبر)، یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت جمعی از بستگان زندانیان سیاسی و شهدای کشتار اخیر زندانهای ایران و شخصیت‌های آزادیخواه در بن تشکیل شد و مورد استقبال جمع کثیری از خبرنگاران قرار گرفت. در این کنفرانس مطبوعاتی، اعضای خانواده‌های برخی از زندانیان سیاسی اعدام شده، به افشای جنایت هولناک خمینی در قتل عام زندانیان سیاسی پرداختند. اتو شیلی عضو فراکسیون حزب سبزها در مجلس فدرال آلمان غربی و از چهره‌های برجسته این حزب، در این کنفرانس مطبوعاتی ضمن سخنانی با اشاره به سفر اخیر گنشر وزیر خارجه دولت بن به ایران گفت: «لحن پیج پیج»ی که گنشر در سفرش در سؤال پیرامون سر نوشت زندانیان سیاسی بدان توسل جست، با توجه به ادامه اعدام‌های جمعی در ایران «بکلی ناکافی» است.

همچنین در روز جمعه ۹ دسامبر، کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران در پارلمان آلمان فدرال مطرح شد و نمایندگان ضمن سخنانی خواهان توقف فوری این کشتار شدند.

هفته نامه اشپیگل چاپ آلمان فدرال در شماره ۵ دسامبر خود، با ذکر نمونه‌های مشخص از کشتار زندانیان سیاسی، شمار زندانیان اعدام شده در ماه‌های اخیر را حداقل صدها نفر ذکر کرده است. اشپیگل می‌نویسد گنشر همواره به علت حفظ تماس با رهبری جمهوری اسلامی در تمام مدت جنگ، بخود می‌بالد، در مقابل سؤالات خود پیرامون چند زندانی سیاسی پاسخ مشخصی دریافت نکرد. این هفته نامه می‌افزاید در حالیکه گنشر قبلاً در دیدار با لاریجانی از موارد مشخصی اسم برده بود، لاریجانی معاون ولایتی در پاسخ خبرنگاران مدعی شد نام همین زندانیان را برای نخستین بار است که می‌شنود!



مونستر: زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اکسیون تبلیغاتی در مرکز این شهر، که با جمع‌آوری امضا در محکومیت رژیم خمینی همراه بود، باعث بازتاب یافتن خبر جنایت هژیم رژیم خمینی در این شهر آلمان فدرال شد.

کلن

در روز ۷ دسامبر به فراخوان جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران تظاهراتی در برابر کلیسای مشهور «دم» در مرکز شهر کلن برگزار شد که در آن حدود ۳۵۰ نفر شرکت داشتند. این تظاهرات جزو مجموعه حرکاتی بود که در کلن و بن از سوی تشکلهای دموکراتیک برگزار گردیده و مورد استقبال وسیع توده ایرانیان آزادیخواه و مبارز قرار گرفت.

نورنبرگ

همه‌ای از ایرانیان مقیم شهر نورنبرگ با تشکیل جمعیتی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران در روز جمعه ۲ دسامبر در مرکز شهر نورنبرگ تظاهرات ایستاده‌ای را برگزار کردند که در آن بیش از ۵۰ نفر از ایرانیان و همه‌ای از نیروهای مترقی آلمان فدرال شرکت داشتند. خبر این تظاهرات با توضیحاتی پیرامون موج جدید کشتار در زندانهای سیاسی ایران، از رادیوی محلی انتشار یافت.

راونزبرگ

پخش تعداد کثیری اعلامیه به زبان آلمانی در مورد جنایات جمهوری اسلامی همراه با عکس گور جمعی خاوران و برگزاری یک

مونستر

در روز ۲ دسامبر به دعوت «همه‌ای از دانشجویان و پناهندگان مونسترلند» همه‌ای از ایرانیان آزادیخواه و مبارز در مرکز شهر مونستر گردآمدند و با برپایی یک آکسیون افشاگرانه که در طی آن ۱۵۰۰ اعلامیه در محکومیت جنایت رژیم خمینی در زندانهای سیاسی پخش شد، در بسیج افکار عمومی مردم این شهر علیه یک حکومت ضد بشر و آزادی‌کش، مشارکت جستند.

پادربورن

در تاریخ ۳ دسامبر ایرانیان آزادیخواه در شهر پادربورن یک آکسیون افشاگرانه برپا کردند و در طی آن چند هزار اعلامیه در مورد اعدام‌های دسته جمعی در ایران بین اهالی این شهر توزیع نمودند. از تاریخ ۷ دسامبر یک اعتصاب غذای چهار روزه در شهر پادربورن با فراخوان «کمیتة نجات زندانیان سیاسی ایران» برگزار شد که ضمن بازتاب قوی در میان ایرانیان آزادیخواه این شهر و استقبال آنان، مورد حمایت احزابی همچون حزب کمونیست آلمان، حزب سوسیال دموکرات و حزب سبزها و نیز اتحادیه سندیکاهای کارگران آلمان (د.گ.ب) قرار گرفت. خبر این اعتصاب غذا در روزنامه محلی درج و نیز از تلویزیون منطقه پخش شد.



کلن: تظاهرات به دعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران

یک سال از آغاز قیام خلق فلسطین گذشت

انتفاضه

شیوه های سرکوب

جهان از طریق رسانه های گروهی باخصلت ددمنشانه اشغالگران اسرائیلی آشنا شده است. کشتار و شکنجه وحشیانه رواج دارد. فلسطینی ها را زنده به گور کرده اند. جنین زنان باردار را سقط کرده اند. به همد، دستها و پاها را می شکنند. برخی بازداشتی ها را از کشور بیرون می کنند. مزارع را ویران، آنها را مسموم و خطوط برق را قطع می کنند. علیه گروه های وسیعی از مردم، به مدتی طولانی مقررات منع رفت و آمد می گذارند. تا به آنها گرسنگی را تحمیل کنند. تماس میان مناطق اشغالی قطع می شود و این مناطق را از جهان خارج جدا می کنند. این همه برای آن است که "قیام سنگ ها" که در تاریخ به عنوان یک پدیده برجسته در پیکارهای بخش ملی ثبت شده است، منکوب شود.

... شمار زندانیان به بیش از ۱۵ هزار بالغ می شود. زندانها که در همه جا ساخته شده اند، دیگر ظرفیت ندارند. در برخی مدارس و در وسط صحرای نجو، که در تابستان گرمای سوزنده ای دارد، زندان های موقت ساخته اند...

در گزارشی که توسط شورای کلیسا در خاور نزدیک تهیه شده است، فاش می شود که ارتش اسرائیل در مناطق اشغالی، از گاز بسیار خطرناکی استفاده می کند. این گاز اشک آور، خطر بزرگی به ویژه برای زنان باردار است. در جریان قیام در مناطق اشغالی، در موارد بسیاری جنین بر اثر استنشاق این گاز توسط مادر، کشته شده است. در گزارش آمده است که این گاز، گاز سی - اس است. ناظران بیطرف و پزشکان، صحت این گزارش را تایید می کنند. همچنین گزارش می شود که اسرائیل، این نارنجک های گاز اشک آور را از کانادا، ایالات متحده

کمیسون های دیگری به تهیه مواد غذایی و توزیع آن در مناطق محاصره شده رسیدگی می کنند. و باز کمیسون های دیگری، مسئول سازماندهی اعتصاب صاحبان مغازه ها هستند. مغازه ها به غیر از روزهای اعتصاب عمومی، هر روز تنها سه ساعت بازند. از این گذشته، کمیسون هایی وجود دارد که اطلاعات جمع آوری می کنند و به رسانه های گروهی و خبرنگاران، که ورودشان به مناطقی که وقایع در آن روی می دهد، ممنوع است، می رسانند...

وقتی مقامات اشغالگر ماهها دانشگاهها و مدارس را تعطیل کردند، "انتفاضه" با ایجاد یک نظام آموزشی مردمی، واکنش نشان داد. هزاران معلم و دوطبقه، حاضر شدند مواد درسهای اصلی را در مساجد و کلیساها و حتی در فضای آزاد و زیر درختان، به دانش آموزان و دانشجویان بیاموزند. مقامات اشغالگر به تأثیر حاد این اقدام خود پی بردند و بالاخره ناچار شدند عقب نشینی کنند و اجازه بازگشایی برخی مدارس و دانشگاهها را بدهند. اما در آنجا دانش آموزان و دانشجویان باز به تظاهرات پرداختند که بدنبال آن، این موسسات آموزشی بار دیگر توسط مقامات تعطیل شدند...

و اما در مورد رهبری متحد ملی قیام که از نمایندگان چهار سازمان موجود در داخل کشور، یعنی از الفتح، حزب کمونیست فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین تشکیل می شود، باید گفت که این رهبری در اطلاعیه های خود، وظایف عامی را اعلام می کند که روی آن توافق می شود...

می توان گفت که خیزش، در راه درهم کوبیدن و تحریم قدرت اشغالگر و برپایی قدرت خلق به جای آن، گام های مهمی برداشته است. این امر، یک معیار همده برای ارزیابی وضعیت قیام است.

"انتفاضه" دیگر برای بسیاری از مردم جهان، واژه آشنایی است. یک سال است که خلق فلسطین انتفاضه، قیام خود را آغاز کرده است. سرزمین فلسطین، دیگر آن نیست که تا دسامبر ۱۹۸۷ بود. همه چیز حاکی از آن است که صهیونیست ها دیگر نمی توانند اوضاع را به شرایط پیش از آغاز انتفاضه بازگردانند. انتفاضه، مهر خود را بر همه تحولات سیاسی و دیپلماتیک منطقه نیز کوبیده است. این قیام بود که وحدت را به صفوف سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) برگرداند. این قیام بود که الهام بخش اعلام موجودیت کشور مستقل فلسطینی شد که تاکنون ۸۶ کشور، آن را به رسمیت شناخته اند. و بالاخره این قیام است که حتی دولت ریگان را به پای میز مذاکره با ساف می کشاند.

"انتفاضه" عنوان مقاله ای است که به قلم نعیم اشهب، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فلسطین، در شماره ۱۲ ماهنامه "نوشته های مارکسیستی" ارگان تئوریک حزب کمونیست آلمان ندرال به چاپ رسیده است. بخشهایی از این مقاله را می خوانیم:

مربوطه حضور دارند، نمایندگان سازمان های فلسطینی موجود در داخل و نمایندگان طبقات و گروه های اجتماعی مانند کارگران، کسبه، زنان و دروستان، دهقانان، نمایندگی می شوند.

این کمیته ها، حاصل تجارب گردآمده در کار اتحاداند. مشخصه ویژه آنها در این است که همه جادر محل، رهبری محلی را تأمین می کنند. بدین ترتیب، تلاشهای مقامات اشغالگر برای وارد آوردن ضربه ای خردکننده به قیام از طریق دستگیری یک ارگان رهبری مرکزی، خنثی می شود. علاوه بر این، باین شکل سازمانی، به میزان زیادی، تأثیر تقسیم مناطق اشغالی فلسطینی به نواحی محصور نظامی، برطرف می گردد. بدین گونه، هر ناحیه - حتی در شرایط انزوا و محاصره - یک کمیته مردمی دارد که مبارزه را در آن ناحیه رهبری می کند و در صورت دستگیری اعضای آن، نسبتاً به سادگی می توان از کادرها و مبارزان محلی آن را از نو شکل داد.

در کنار کمیته های مردمی، کمیسون های تخصصی شکل گرفتند که به ضروریات گوناگون و فزاینده رشد خیزش پاسخ می دهند. از این جمله است ایجاد شرایط نافرمانی کامل اجتماعی، که برای آن، روند تدارک طولانی و پیچیده ای به لحاظ سازمانی و مادی ضرورت دارد.

مثلاً کمیسون هایی برای اهدای خون و کمیسونهای دیگری برای انتقال و مداوای مجروحین ایجاد شدند، زیرا در اکثر موارد، مداوا به هلت جستجوی نیروهای اشغالگر در بیمارستان ها و بازداشت مجروحین، در خارج از بیمارستان ها انجام می گیرد.

وقتی در دسامبر سال پیش، "انتفاضه"، خیزش خلق ما، آغاز شد، مقامات اسرائیلی لاف می زدند که می توانند در چند روز آن را سرکوب کنند. می دانیم که ادامه قیام خلق با تمام قوا، این توهمن را مانند حباب صابونی محو کرد. مقامات اسرائیلی، بعداً گفتند قیام رو به سرانجام و خاموشی است. معیار آنها این بود که درگیری های روزانه با نیروهای اشغالگر رو به کاهش بود و کشته ها و مجروحین اندکی به همراه داشت. اما بازهم اشتباه می کردند. شمار درگیری ها دوباره رو به افزایش نهاد. تا جایی که فرمانده اسرائیلی منطقه میانی را در هجدهم ژوئن وادار به این اعتراف کرد که خیزش هنوز مدتها ادامه خواهد داشت.

معیار حقیقی و واقعی سنجش قیام، که اشغالگران می خواهند موجودیت آن را انکار کنند، بسیار بیش از آنکه شمار درگیری های روزانه باشد، درجه سازمان یافتگی توده ها و فعالیت های آنهاست. حزب ما، حزب کمونیست فلسطین (ح.ک.ف.)، در همان آغاز این قیام خاطر نشان کرد که شور توده ها بسیار از درجه سازمان یافتگی آنها فراتر می رود. از این رو دقیقاً به وجه سازماندهی خیزش توجه ویژه ای مبذول شد.

مکانیزم "انتفاضه"

از نخستین روزهای قیام، تشکیل کمیته های مردمی آغاز شد. این کمیته ها به سرعت رواج یافتند، هر نقطه در کرانه غربی رود اردن و نوار فزه را تحت کنترل خود گرفتند و به ستون فقرات و نیروی محرکه قیام تبدیل شدند. در این کمیته ها، همه نیروهایی که در شهر یا روستای

پروزی بزرگ

خلق فلسطین

بقیه از صفحه آخر

تنها در دوره زمامداری دولت بعدی آمریکا به ریاست بوش ممکن خواهد بود.

مقامات آمریکایی در توضیح تصمیم خود، به سخنان هرفات در یک کنفرانس مطبوعاتی در ژنو استناد کردند. هرفات در این سخنان تاکید کرد ساف تروریسم را محکوم می کند و قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ را بدون قید و شرط می پذیرد. ناظران، خاطرنشان می کنند سخنان هرفات در مقایسه با مصوبات اجلاس الجزیره نکته کیفیتاً متفاوتی دربرداشت، و دولت ریگان تنها برای حفظ وجهه سیاسی خود، بر "نکات تازه" در این سخنان انگشت می گذارد. به عقیده منسرخان مطبوعات غربی، ریگان و شولتز با تصمیم خود این هدف را دنبال می کنند که دولت بوش را در نخستین ماه های زمامداری وی با بار سنگین یک تصمیم دشوار روبرو نسازند، تصمیمی که اجتناب ناپذیر بودن آن، روزبه روز بیشتر هیان شده است. روزنامه آمریکایی واشنگتن پست می نویسد ریگان هنگامی تصمیم به مذاکره با ساف را گرفت که برای دیدار با گارباچف در نیویورک به سر می برد. به نوشته این روزنامه، موضع رهبری شوروی در برانگیختن آمریکا به تغییر سیاست خاورمیانه ای خود، نقشی قاطع داشته است.

چرخش موضع آمریکا، آن هم اندکی پس از خودداری واشنگتن از صدور ویزا برای هرفات به منظور سخنرانی او در سازمان ملل، اعلام ورزشکستگی سیاست دهها ساله ایالات متحده است. آخرین مورد از بازتاب این شکست در مجامع بین المللی، رای دادن ۱۵۴ کشور به انتقال اجلاس مجمع عمومی به ژنو بود. آمریکا و اسرائیل، در این رای گیری، دچار انزوای خردکننده ای شدند. قیام یکساله مردم مناطق اشغالی، به همه دولتهای اروپای غربی، به همه حامیان بین المللی اسرائیل که ذره ای واقع بینی داشتند، نشان داد که دیگر نمی توان این مردم را در یوغ اشغالگران نگه داشت. پیروزی دیپلماتیک ساف، در حقیقت پیروزی آن جوانان از جان گذشته ای است که از یک سال پیش تاکنون، سینه خود را در برابر

اسرائیل در چارچوب یک کنفرانس بین المللی صلح بر مبنای قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت و حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین، آمادگی اعلام می گردد. و بالاخره، دلیل دیگر را باید در فعالیت اصولی حزب کمونیست و سایر نیروهای دموکراتیک اسرائیل جستجو کرد که با اشغال مخالفت می کنند. این، یک جنبه مهم مسئله است.

جنبه دوم، این است که قیام خلق، مسئله فلسطین را که قبلاً تحت الشعاع قرار گرفته بود، بار دیگر در مرکز توجه قرار داد. این مسئله، در اجلاس سران در مسکو میان گارباچف و ریگان جای مهمی به خود اختصاص داد. اتحاد شوروی، متحد وادار خلق ما، هرآنچه لازم بود انجام داد تا از مبارزه عادلانه خلق مدافع کند... سومین نتیجه این است که موج بیسابقه ای از همبستگی و حمایت از حقوق ملی خلق فلسطین مشاهده می شود. به همین نسبت، اهمال اشغالگران اسرائیلی در سراسر جهان محکوم می شود.

به عنوان چهارمین نتیجه، قیام خلق به تقویت این عقیده در سطح بین المللی انجامید که برپایی یک کنفرانس بین المللی دارای اختیار، ضروری است. این کنفرانس باید کل اختلاف اعراب و اسرائیل را هسته اصلی آن، مسئله فلسطین را با شرکت همه طرفهای خاصه، از جمله ساف، تنها نماینده قانونی خلق فلسطین، مورد بررسی قرار دهد.

با اینکه در موضع آمریکا تحت تاثیر قیام و تحت فشار افکار عمومی جهان، تغییراتی رخ داده است، مصابت آمریکا از اشغالگران اسرائیلی، کماکان مانع اصلی بر سر یک راه حل عادلانه محسوب می شود، زیرا ایالات متحده همچنان حق خلق ما در تشکیل یک دولت مستقل، شرکت ساف به عنوان طرف برابر حقوق با سایر طرفها در مذاکرات، و دادن اختیارات لازم به کنفرانس بین المللی، مخالفت می کند...

تا جایی که به خلق ما مربوط می شود، مردم ما تا وقتی مللی که به آغاز قیام انجامیدند، وجود دارند، از مبارزه دست نخواهد کشید و آن را تادستیابی به اهداف ملی خود ادامه خواهد داد. خلق ما قاطعانه می گوید: دیگر به شرایط پیش از آغاز قیام بازخواهیم گشت!

بیست سال، "گاو شیرده" سرمایه اسرائیلی بودند. اکنون باید بودجه دولت اسرائیل، بهای اشغال را بپردازد. مقامات اسرائیلی خیلی زود مناطق اشغالی فلسطین را به دومین واردکننده کالاهای اسرائیلی پس از آمریکا تبدیل کردند. اسرائیل سالانه بین ۸۵۰ میلیون تا یک میلیارد دلار کالا به این مناطق صادر می کرد. بر این امر باید، استثمار شدید کارگران اهل مناطق اشغالی را افزود. این کارگران در نتیجه سیاست هدفمند فقیرکردن مناطق اشغالی، در اقتصاد اسرائیل به جستجوی کار می رفتند. شمار آنها تقریباً ۱۵۰ هزار نفر است. از این گذشته، به مردم مناطق اشغالی مالیات سنگینی تحمیل شد که مازاد آن به بودجه دولت اسرائیل واریز می شد. قیام، آغاز پایان این چپاول استعماری را رقم زد...

وقتی در آغاز قیام، کارگران فلسطینی شافل در اقتصاد اسرائیل، اهتمام کردند، در برخی شاخه های اقتصاد این کشور بحران در گرفت. بطور جدی کارگران از خارج بطور جدی مورد بررسی قرار گرفت. این در حالی است که در اسرائیل ۱۵۰ هزار کارگر بیکار وجود دارد. اما اینان حاضر به کار در مشاغل که فلسطینی ها برعهده دارند نیستند، زیر این مشاغل با کار سخت یا کثیف توأم است...

نتایج قیام

... قیام خلق بیش از هر واقعه دیگری، شکاف آشکاری در جامعه اسرائیل ایجاد کرده است... نظراتی آشکارتر از همیشه ابراز می شود که واقع بینانه تایید می کنند راهی به جز عقب نشینی از مناطق اشغالی و به رسمیت شناختن حق خلق دیگر، خلق فلسطین در زندگی مطابق اراده خود، نمانده است.

این روند مثبت، به یک سلسله هله باز می گردد که مهم ترین آن، خصلت مسالمت آمیز قیام خلق است. از این طریق همه ادعاهای حکام اسرائیل مبنی بر اینکه بیکار ملی فلسطین گویا هدف خود را ناپودی دولت اسرائیل قرار داده است، بی پایه از کار درآمده اند. دلیل دیگر، سیاست واقع بینانه ساف است که به ویژه در اجلاس اخیر شورای ملی تصویب شد. این سیاست دیگر، تا جایی پیش رفته است که برای مذاکرات مستقیم با

و اتريش دریافت کرده است. نشریه اسرائیلی "هاداشوت" در یک مقاله بلند تسوی گیلان، خبرنگار خود، می نویسد تاکنون ۴۹ نفر بر اثر استنشاق این گاز اشک آور کشته شده اند که از آن جمله اند ۲۵ کودک در سن کمتر از یک سال. همچنین باید در نظر گرفت که بسیاری از موارد مرگ اصلا اعلام نمی شوند و تنها تصادف باعث افشای آن می شود.

نسل جدید مبارز

مقامات اسرائیلی در گذشته به خود اطمینان می دادند گذشت زمان به این خواهد انجامید که مردم مناطق اشغالی و نیز جهان، به وجود قدرت دولتی اسرائیل در این مناطق، هادت خواهند کرد. اما قیام، چه چیز را به روشنی ثابت کرده است؟

نسلی که در سال های اشغال رشد کرده و اصلاً به جز قدرت اشغالگر، قدرت دولتی دیگری نمی شناسد، حتی بیش از نسل های دیگر از اشغالگران متنفر است و در برابر آنان مقاومت می کند. در مقاله نشریه "هاداشوت" که تحت عنوان "شش ماه آرامش نسبی" انتشار یافت و ذکر آن رفت، آمده است که از ۱۷۳ فلسطینی که در پنج ماه نخست قیام توسط "نیروهای امنیتی و انتظامی اسرائیلی" کشته شدند، ۸۲ درصد در سنین ۱۳ تا ۲۹ سال بودند.

استثمار مناطق اشغالی

قیام خلق ما، فوران خشمی است که ظرف بیش از ۲۵ سال، به هلت همگردد اشغالگران، که هیچ همرسه زندگی و هیچ فرد را از دستبرد مصون نگذاشتند، انباشته شد...

تا آنجا که به جنبه مادی این امر مربوط می شود، در یک گزارش پژوهشی دکتر یاکوف شتیام، اقتصاددان اسرائیلی و استاد دانشگاه عبری اورشلیم، که از سوی وزارت دارایی اسرائیل واقع بینانه توصیف شده است، خاطر نشان می شود که قیام، برای اقتصاد اسرائیل به بهای لطماتی معادل یک میلیارد دلار تمام شده است. برای کشور کوچکی مانند اسرائیل، این مبلغ، لطمه ای محسوس به شمار می رود. بدین ترتیب، قیام خلق، وضعیتی را که در طول ۲۵ سال ادامه داشت، تغییر داده است. در این

جهان در غم ارمنستان شریک است



زلزله در جشن هروسی به سرافشان آمد

است.

تقریباً همه رهبران حزب و دولت شوروی در محل فاجعه حضور یافته‌اند و یا هنوز در آنجا به سر می‌برند. کمیسیون ویژه‌ای در جنب دفتر سیاسی حزب تشکیل شده که مسئولیت آن با نیکلای ریشکف است. وی بطور تمام وقت به اداره کارهای این کمیسیون مشغول است. وی در نخستین روزهای پس از زلزله، اولویت‌ها را در کار کمک‌رسانی بدین ترتیب برشمرد: جستجوی کسانی که هنوز در زیر آوار زنده‌اند، انتقال مجروحین به

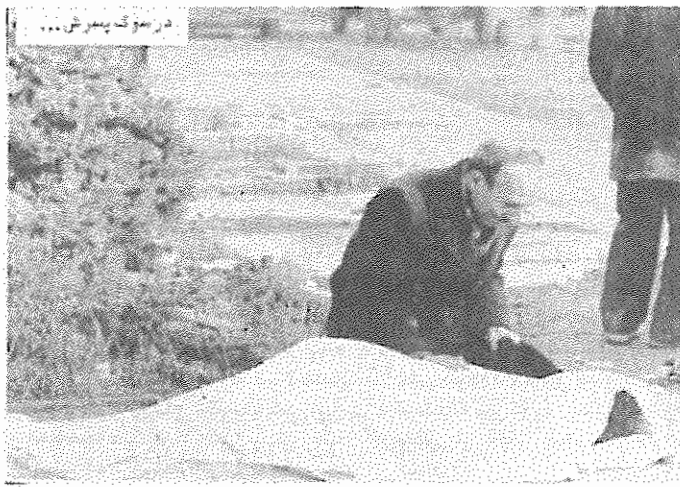
بیمارستانها، و رسیدگی به وضع مردم بی‌خانمان شده. وزیر ساختمان اتحاد شوروی، خسارات مستقیم ناشی از زلزله را ۵ میلیارد روبل (نزدیک به ۹ میلیارد دلار) برآورد کرده است. میخائیل گارباجف که سفر خود به کوبا و بریتانیا را لغو کرد و مستقیماً از آمریکا به کشورش بازگشت، در ارمنستان اعلام کرد با کمک همه ملل اتحاد شوروی، ظرف دو سال،

همه شهرها، روستاها و کارخانه‌های ویران شده، بازسازی خواهند شد. وی شدیداً به افرادی در ارمنستان که در این روزها نیز دست از تحریکات ناسیونالیستی بر نمی‌دارند، حمله کرد. اشاره وی، به اعلامیه‌های پخش شده در ایروان بود که در آن، عناصر افراطی ادعا کرده‌اند انتقال کودکان ارمنی از ارمنستان، برای بردن آنها به سیبری صورت می‌گیرد.

سقوط هواپیما جان خود را از دست دادند. هنوز ۲۴ ساعت از این حادثه نگذشته بود که یک هواپیما یوگسلاوی نیز با سه سرنشین در همان منطقه سقوط کرد.

بی شک بیشترین بار کمک به مردم ارمنستان را سایر ملل اتحاد شوروی و به‌ویژه ملت روس بر دوش می‌کشند. سرنوشت چنین خواست که خلق ارمنی یک بار دیگر در وجود ملت بزرگ روس، همدرد و حامی بیدریغش را بیابد. و چه نمونه‌وار است صحنه‌ای که بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود:

یک زن سالخورده روستایی، که هم‌جاگاه از دست دادن اعضای خانواده چهره‌اش را مچاله کرده، ریشکف نخست‌وزیر شوروی را در آغوش می‌کشد و همراه با حق‌گریه، از این همه کمکی که مردم سراسر اتحاد شوروی به ارمنستان می‌کنند، تشکر می‌کند. چشمان ریشکف و همه حاضران پر از اشک



هفته گذشته، مقامات شوروی اعلام کردند فاجعه زلزله در شمال ارمنستان ۵۵ هزار کشته به همراه داشته است. ۵۰۰ هزار نفر بی‌خانمان شده‌اند. سه شهر لنین آکان، کیروف آکان و اسپیتاک، تقریباً به کلی ویران گشته‌اند. خلق ارمنی، که در تاریخ مصایب بی‌شماری را متحمل شده، بار دیگر به سوگ نشسته است. طبیعت، در هر ض چند دقیقه، حتی چند ثانیه، فصل دردناک دیگری در رنجهای مردم ارمنستان گشود. مصیبت، از نسل‌کشی توسط عثمانی‌ها بدین سو، هیچگاه اینچنین هولناک بر سر این مردم فرو نیامده بود.

در ماه‌های اخیر، اختلافات ملی در ماوراءقفقاز، نام ارمنستان را برای جهانیان به نام آشنایی تبدیل کرد. شاید این واقعیت، باعث شد تا جامعه بین‌المللی از فاجعه زلزله تکان بیشتری بخورد. نزدیک به ۵۰ کشور در کمک‌رسانی به ارمنستان شرکت دارند. رهبری شوروی، که پذیرش واقعیت وابستگی متقابل ملل جهان امروز را راهنمای سیاست خود قرار داده است، بدون تأمل کمکهای خارجی را مورد قبول قرار داد. در فرودگاه ایروان، پایتخت ارمنستان، هر پنج دقیقه یک بار هواپیمایی حامل کالاهای ضروری، بیمارستانهای سیار، دستگاههای پزشکی، تیم‌های امداد و هر آنچه به کار کمک به مردم آسیب دیده می‌آید، به زمین می‌نشیند. ۷۸ سرنشین یک هواپیمای شوروی که مسافران آن همگی نظامیانی بودند که برای کمک به امدادگران به ارمنستان می‌رفتند، در سانحه

رگبار گلوله‌ها سیر کرده‌اند و تنها با پرتاب سنگ، از خود در برابر مجهزترین ارتش منطقه دفاع می‌کنند.

چرخش موضع آمریکا، دولت اسرائیل از سراسیمه کرد. شامیر نخست‌وزیر اسرائیل "تاسف" خود را از تصمیم ریگان ابراز داشت. وی گفت که آمریکا "قریب" فلسطینی‌ها را خورده‌است و به زودی به اشتباه خود پی خواهد برد. شامیر تأکید کرد اسرائیل تحت تأثیر تصمیم واشنگتن قرار نخواهد گرفت و کماکان از مذاکره با ساف خودداری خواهد کرد. اما پرز وزیر خارجه اسرائیل، هلپرهم اینکه از "یک روز غم‌انگیز" برای اسرائیل سخن گفت، وعده داد که در صورت برقراری "آرامش" در مناطق اشغالی، اسرائیل به برگزاری انتخابات آزاد در این مناطق برای گزینش نمایندگان طرف مذاکره اسرائیل، تن خواهد داد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد بطور یکپارچه و تنها با رای مخالف آمریکا و اسرائیل، اعلام تشکیل دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت شناخت. در قطعنامه مجمع عمومی بر ضرورت تأمین حق حاکمیت خلق فلسطین بر مناطق اشغال شده در ۱۹۶۷ تأکید شده و آمده است که از ۱۵ دسامبر ۱۹۸۸، در همه نهادهای سازمان ملل، نام "سازمان آزادیبخش فلسطین" به "فلسطین" تبدیل خواهد شد. در قطعنامه دیگری، مجمع عمومی هسته مرکزی اختلاف اعراب و اسرائیل را مسئله فلسطین دانست و خواهان فراخواندن کنفرانس بین‌المللی صلح با شرکت همه طرف‌های ذینفع، از جمله ساف شد. این قطعنامه، حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین را مورد تأکید قرار داده و خواهان عقب‌نشینی اسرائیل از مناطق اشغال شده در ۱۹۶۷، از جمله بخش عربی بیت‌المقدس شده است. قطعنامه مزبور همچنین مقرر می‌دارد که حق موجودیت همه کشورهای منطقه باید محفوظ بماند، مسئله آوارگان فلسطینی حل شود، شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی برچیده شود و مناطق اشغالی بطور موقت تحت نظارت سازمان ملل قرار گیرد. مجمع عمومی از شورای امنیت خواسته است برای فراخواندن کنفرانس بین‌المللی، یک کمیته تدارک تشکیل دهد.

صهیونیست ها چهار فلسطینی را کشتند

در مراسم تشییع جنازه یک نوجوان ۱۵ ساله فلسطینی در نابلس، در روز جمعه ۲۵ آذر (۱۶ دسامبر) چهار جوان فلسطینی به ضرب گلوله سربازان اسرائیلی کشته شدند. کارکنان یک بیمارستان نابلس، بزرگترین شهر کرانه غربی رود اردن پس از بیت المقدس، ضمن اعلام این خبر گفتند که نوجوانی که در این روز تشییع می شد، در روز ۴ آذر (۲۵ نوامبر) هدف گلوله قرار گرفته بود. این کارکنان افزودند بیش از سی تن در تشییع جنازه توسط صهیونیستها مجروح شده اند. یک سخنگوی ارتش اسرائیل در تل آویو وقوع حادثه و کشته شدن چهار نفر را تایید کرد. به گزارش پزشکان، برادر نوجوان ۱۵ ساله مقتول نیز در تشییع جنازه به شدت زخمی شد. در اعتراض به جنایت جدید صهیونیستها، در نابلس یک اعتصاب همومی برپا شد. ارتش اسرائیل در این شهر مقررات منع عبور و مرور برقرار کرد. یک دادگاه نظامی اسرائیل، سرباز صهیونیستی را که در ماه مارس از فاصله ای کوتاه بسوی یک نوجوان فلسطینی شلیک کرده و او را به قتل رسانده بود، تنها به ۲۱ روز حبس (!) محکوم کرد.

کنگره حزب کمونیست پرتغال

کنگره حزب کمونیست پرتغال از اول تا چهارم دسامبر با شرکت دوهزار نماینده و میهمانان خارجی از نزدیک به ۸۵ حزب کمونیست و کارگری و سازمان رهایی بخش، برگزار شد. در این کنگره "برنامه ای برای یک دموکراسی پیشرفته در قرن بیست و یکم" مورد تصویب قرار گرفت. در این برنامه بر تداوم اندیشه های انقلاب آوریل ۱۹۷۴ پرتغال تاکید شده و مفهوم دموکراسی مورد تدقیق قرار گرفته است: اصلاحات ارضی، کنترل کارگری، نفوذ تعیین کننده توده ها در نظام دولتی و رسانه های گروهی. حزب کمونیست پرتغال "دموکراسی پیشرفته" را مرحله ای در مبارزه برای سوسیالیسم می داند و بر آنست که مبارزه برای اینگونه دموکراسی، شرایط هینی و ذهنی سوسیالیسم را فراهم می کند. آوارو کونیال، دبیر کل حزب که در کنگره در سمت خود ابقا شد، بر ضرورت وحدت حزب در مسائل اصولی، ضمن میدان دادن به اندیشه های افراد و بحث در باره آنها، تاکید کرد.

از میان دیگر رویدادها

ایک دادستان ویژه رژیم پینوشه اعلام کرد کلیه اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی به جرم "خرابکاری" و "دعوت به قهر" تحت تعقیب قرار می گیرند. وزیر کشور پینوشه گفته است اجازه فعالیت برای حزب کمونیست شیلی صادر نخواهد شد.

اعتصاب هشت میلیون نفره در اسپانیا

کرکره های خود را پائین کشیده بودند. اکثر مدارس، موزه ها و سینماها تعطیل بودند. تابلوی "بعلت اعتصاب امروز تعطیل است" در همه جا به چشم می خورد. در فزودگاه مادرید، ایستگاه های قطار و بازارها جنبه های به چشم نمی خورد. از ۱۲۵ روزنامه تنها، ۲۵ روزنامه محلی منتشر شد. رادیو تلویزیون دولتی، تنها خلاصه اخبار و موسیقی پخش می کردند. حتی فوتبالیست های حرفه ای از شرکت در بازی های چهارشنبه خودداری کردند و برنامه بازیها تغییر کرد. خواستهای اتحادیه های کارگری عبارت بود از تهیه برنامه ای واقعی برای اشتغال از سوی دولت، جبران کاهش قدرت خرید از طریق افزایش حقوق هشت میلیون بازنشسته، کارمند دولت، دریافت کنندگان حداقل دستمزد و مقرری بیکاری حمایت وسیع تر از بیکاران، حق قراردادهای جمعی در موسسات همومی و افزایش حداقل دستمزد و حقوق در سال آینده. در حال حاضر ۱۹ درصد جمعیت قادر به کار اسپانیا، بیکار است که از این میان، بخش بزرگی هیچ مقرری دولتی دریافت نمی کند. نیمی از جوانان فاقد آموزش حرفه ای و امکان کارایی اند.

چهارشنبه ۱۴ دسامبر، اسپانیا بر اثر یک اعتصاب همومی ۲۴ ساعته تقریباً بطور کامل از حرکت باز ایستاد. مردم، از فراخوان مشترک همه اتحادیه های کارگری برای اعتراض به سیاست های اقتصادی و اجتماعی دولت فلیپه گونزالس نخست وزیر سوسیالیست اسپانیا بطور یکپارچه استقبال کردند. اتحادیه های کارگری، اعتصاب را "موقعتی کامل" خواندند. نمایندگان اتحادیه های کارگری ضمن ذکر رقم ۷/۸ میلیون نفر بعنوان تعداد اعتصابیون، گفتند: "میزان شرکت در اعتصاب، از خوشبینانه ترین پیش بینی های ما نیز فراتر رفت." بزرگترین اعتصاب در اسپانیا از هنگام پایان حکومت رژیم فرانکو تاکنون، توسط "کمیسیونهای کارگری" (تحت رهبری کمونیست ها) و اتحادیه های همومی کارگری (تحت رهبری سوسیالیست ها) سازماندهی شد. در اسپانیا به جز خدمات عاجل و وسایل نقلیه همومی، بیمارستانها، داروخانه ها، آتش نشانی و پست که در مورد آن با سندیگاه توافق شده بود، همه چیز به حالت تعطیل در آمد. کارخانه ها همه جا تعطیل شد. همه مقارنه ها و حتی قهوه خانه ها که معمولاً در اسپانیا مملو از مشتری است،

آزادی شرکت احزاب در انتخابات ۱۹۹۰ مجارستان

قانون اساسی، در نیمه دوم سال ۱۹۹۰ انتخابات پارلمانی برگزار می شود. برش در گزارش به پلنوم گفت حزب سوسیالیست کارگری مجارستان از حق تشکیل سازمانهای سیاسی و تصویب قانون احزاب حمایت می کند، اما با یک نظام چند حزبی طبق الگوی غربی و تفسیر بورژوازی نظام چند حزبی مخالف است. کارولی گروش دبیر کل حزب سوسیالیست کارگری مجارستان پس از پلنوم اظهار داشت بعقیده وی، برنامه ای مسئولانه برای رشد ملی، در یک نظام یک حزبی نیز امکان پذیر است، اما اگر مردم معتقد به ضرورت یک نظام چند حزبی باشند، حزب مخالفتی با این خواست ندارد.

اول آوریل ۱۹۸۹، تاریخ استقلال نامیبیا

خواهد داد. قرارداد بر از اوایل پیش بینی می کند، همزمان با استقلال نامیبیا، خروج نیروی ۵۵ هزار نفری کوبا از آنگولا آغاز شود و ظرف ۲۷ ماه به پایان رسد. سام نجوما رهبر سواپو اعلام کرد نامیبیا مستقل، سیاست عدم تعهد را در پیش خواهد گرفت. وی خواهان بسیج هرچه گسترده تر مردم نامیبیا برای شرکت در انتخابات آزاد پیش بینی شده در قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت شد و افزود در صورت ممانعت آفریقای جنوبی از پیشرفت راه حل مسالمت آمیز، خلق نامیبیا امکانات لازم برای مبارزه مسلحانه را در اختیار دارد.

بدنبال تشکیل پلنوم کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، در بوداپست اعلام شد رهبری حزب از آزادی شرکت احزاب در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۰ مجارستان جانبداری می کند. قرار است در هفته جاری، پارلمان مجارستان قانونی در باره آزادی تجمع و تشکل به تصویب برساند. یانوش برش دبیر کمیته مرکزی حزب در گزارش خود به پلنوم، روند تدارک تصویب قانون اساسی جدید مجارستان را نیز تشریح کرد. قانون اساسی جدید قرار است تا ماه مه یا ژوئن ۱۹۸۹ به منظور بررسی به کمیته مرکزی حزب ارائه شود. پس از بحث همومی در سطح جامعه این طرح در بهار ۱۹۹۰ در دستور کار پارلمان قرار خواهد گرفت و به رای هموم مردم نیز گذاشته خواهد شد. پس از تصویب

روز سه شنبه ۱۳ دسامبر، نمایندگان هالی رتبه آنگولا، کوبا، آفریقای جنوبی و آمریکادر بر از اوایل پایتخت کنگو قرار دادی امضا کردند که به موجب آن، روز اول آوریل ۱۹۸۹ تاریخ استقلال نامیبیا در چارچوب تحقق قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل، تعیین شده است. سواپو، سازمان خلق آفریقای جنوبی غربی، که به عنوان تنها نماینده قانونی مردم نامیبیا شناخته میشود، از امضای قرارداد بر از اوایل استقبال کرد. اما اوینتا، باند تروریستی مورد حمایت آفریقای جنوبی که از خاک نامیبیا علیه دولت آنگولا مبارزه می کند، اعلام کرد به اقدامات تروریستی خود ادامه

پیروزی بزرگ خلق فلسطین

جمع عمومی سازمان ملل بطور یکپارچه، تنها با رای مخالف آمریکا و اسرائیل، اعلام تشکیل دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت شناخت

آمریکا برای مذاکره با سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام آمادگی کرد

هفته گذشته، هفته تحولات بیسابقه در رابطه با مسئله فلسطین بود. این تحولات، در مجموع خود پیروزی بزرگی برای خلق فلسطین محسوب می شود، پیروزی بزرگی که ثابت کرد ثمرات "انتفاضه"، قیام مردم مناطق اشغالی، بازگشت ناپذیر است. نقطه آغاز این تحولات، سخنرانی یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود. همانگونه که در شماره های گذشته "اكثریت" گزارش دادیم، دولت آمریکا به عرفات برای سفر به نیویورک و سخنرانی در اجلاس مجمع عمومی ویزا نداد. مجمع عمومی در واکنش نسبت به این اقدام خودسرانه، تصمیم گرفت بحث خود در باره مسئله فلسطین را به ژنو، مقر اروپایی سازمان ملل انتقال دهد. با صرف ۱/۵ میلیون دلار هزینه، نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل به ژنو رفتند تا سخنرانی عرفات را بشنوند. عرفات سخنان خود را روز سه شنبه ۱۳ دسامبر ایراد کرد.

عرفات در نطق خود گفت خیزش مردم کرانه غربی رود اردن و نوار غزه، با قدرت سال دوم خود را آغاز کرده است. وی افزود متقابل این مردم با ارتش تا دندان مسلح اسرائیل، به داستان کهن داوود و گولیات می ماند.

رهبر ساف خاطر نشان کرد مصوبات اجلاس اخیر شورای ملی فلسطین در الجزیره، مرحله ای جدید در مبارزه خلق فلسطین را آغاز کرده است و در همین حال راه حل مسالمت آمیز مسئله خاور نزدیک را می گشاید. عرفات به ویزه از تلاش های خاویر پرنز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل برای حل عادلانه بحران خاور نزدیک تشکر کرد. رئیس کمیته اجرایی ساف با تاکید بر هر گونه تروریسم از سوی این سازمان و پذیرش قطعنامه های سازمان ملل، بار دیگر اسرائیل را به مذاکره فراخواند. وی طرح سه ماده ای صلح خود را بدین شرح ارائه کرد:

- تلاش های جدی برای فراخواندن یک کمیته تدارک تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل برای یک کنفرانس بین المللی صلح؛
- قراردادن موقت مناطق اشغالی فلسطین تحت نظارت سازمان ملل و نیز اعزام یک نیروی بین المللی سازمان ملل برای محافظت از مردم فلسطین و نظارت بر عقب نشینی نیروهای اسرائیلی؛

- حل همه جانبه اختلافات با شرکت دولت فلسطین، اسرائیل و سایر کشورهای همسایه در چارچوب یک کنفرانس بین المللی صلح خاور نزدیک بر مبنای قطعنامه های ۲۴۲ و ۲۴۳ شورای امنیت.

اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل بلافاصله پس از سخنرانی عرفات، پیشنهادهای ساف را رد کرد و آن را یک "ترفند" خواند.

در شامگاه چهارشنبه ۱۴ دسامبر به وقت واشنگتن، جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا در یک اقدام غیرمنتظره، آمادگی ایالات متحده برای مذاکره با ساف را اعلام کرد. کاخ سفید اطلاعاتی منتشر کرد که در آن آمده است ریگان رئیس جمهور آمریکا در واپسین روزهای ریاست جمهوری خود اجازه آغاز مذاکره با ساف را صادر کرده و جرج بوش رئیس جمهور منتخب نیز با آن موافقت نموده است. شولتز گفت به سفیر آمریکا در تونس دستور داده است مذاکرات با ساف را برعهده گیرد. وزیر خارجه آمریکا که بزودی جای خود را به بیکر وزیر خارجه کابینه بوش خواهد داد، افزود کماکان میان آمریکا و ساف در رابطه با حل بحران خاور نزدیک اختلاف نظرهای همیتی وجود دارد و تصمیم به مذاکره تنها به معنای پذیرفتن ساف به عنوان طرف مذاکره است. شولتز تاکید کرد دولت فلسطینی توسط آمریکا به رسمیت شناخته نشده است. وزیر خارجه ریگان گفت دستیابی به نتایج مهم در مذاکرات با ساف، بقیه در صفحه ۱۳

از رنج آوارگان کرد در اردوگاه های ترکیه

برسد. او همراه با هزاران تن از کردهای گریخته از عراق، در حاشیه شهر دیاربکر ترکیه در چادرهای نازکی که انسان را از بادهای سرد کوه های از برف پوشیده محفوظ نگه نمی دارند، زندگی می کند. تقریباً هر شب چند کودک خردسال و افراد سالخورده که رنج و مصیبت، ضعیف نشان کرده، می میرند. آوارگان باید روی زمین بخوابند. از تختخوابهای صحرایی خبری نیست، پتو کم است. اشپگیل از قول یکی دیگر از ساکنان اردوگاه می نویسد:

در "اكثریت" شماره ۲۳۵ گزارش دادیم که هزاران آواره کرد که از بمباران شیمیائی و قتل وحشیانه توسط ارتش عراق به ترکیه پناه برده اند، در اردوگاه های شرق ترکیه در شرایط بسیار وخیمی بسر می برند، شرایطی که با مرگ روزانه کودکان، سرمای سخت زمستان، گرسنگی و هراس از آینده همراه است. هفته نامه اشپگیل چاپ آلمان فدرال در شماره ۵ دسامبر خود، گزارشی از وضعیت فاجعه بار اردوگاه های آوارگان کرد



"اگر قرار باشد اینجا بمانیم، همه خواهیم مرد." در ادامه گزارش می خوانیم: "...چراغهای گازی که ترکها توزیع کرده اند، رایگان نیست. آوارگان که اغلب بدون برداشتن هیچ چیز، فرار کرده اند، باید برای پر کردن کپسولهای گاز پول نقد بپردازند: ۱۳۰۰ لیر ترک (معادل ۳۵۰ دلار). وضع خدمات پزشکی در اردوگاه ها هم چندان بهتر نیست. بخشی از داروهارا تنها بقیه در صحنه ۵

عراقی در ترکیه چاپ کرده است که حاوی نکات تکان دهنده ای است.

در این گزارش آمده است: "شیرهای آب در حاشیه اردوگاه دیگر حتی چکه هم نمی کنند. چندین روز است که آب رسانی متوقف شده است. ساکنان شهر چادرها تنها می توانند از دو چشمه کوچک واقع در بالاتر از اردوگاه آب بیاورند. هم مصطفی محمد می گوید: "بسیاری حتی شبها برمی خیزند تا آب به آنها

AKSARIYAT
NO. 238
MONDAY, 19 DEC '88

حساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید